

استفتائات جدید حج

سال ۱۳۹۰



بسم الله الرحمن الرحیم

استفتائات جدید حج

نویسنده:

مرکز تحقیقات حج

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

استفتائات جدید حج

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : استفتائات جدید حج/تهیه و تنظیم جمعی از پژوهشگران.

مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۸۷ص.؛ ۲۰×۱۱س‌م.

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت : چاپ سوم.

شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۴۲۹۹۸

ص:۱

مقدمه

ص:۲

ص:۳

ص:۴۰

ص:۵

ص:۶

ص:۷

ص:۸

ص:۹

فروع جدید احکام حج و تغییر و تبدیل موضوعات سبب می‌شود استفتاءات جدیدی مطرح و فتاوای مراجع تقلید دربارهٔ آنها و وظیفهٔ مکلفان معیّن گردد.

در این مجموعه تعدادی از سؤالهای جدید حج به محضر مراجع معظم تقلید ارائه شده و پاسخ بسیاری از آن بزرگواران به دست آمده که تقدیم می گردد. یادآوری می‌شود: مواردی که فتوای بعضی از مراجع عظام تقلید آورده نشده تا کنون به دست، نرسیده که امیدواریم در آینده بتوانیم فتاوای آنان را نیز بر این مجموعه بیفزاییم.

ص:۱۰

ص:۱۱

تقلید

بقاء بر تقلید میّت

س۱ - تقلیـد میّت ابتـداءً جایز نیست، ولی بقاء بر تقلیـد میّت اشـکال نـدارد و بایـد بقاء بر تقلیـد میّت به فتوای مجهتـد زنده باشد و کسی که در بعضی از مسائل به فتوای مجهتدی عمل کرده، بعد از مردن آن مجتهد می‌تواند در همهٔ مسائل از او تقلید کند.

آیـهٔ اللّه اراکی: و کسـی که در مقـدار قابل توجّهی از مسائل به فتوای مجهتـدی عمل کرده و همانگونه که متعارف و معمول اسـت بنابر عمل در بقیه هم داشته، بعد از مردن آن مجتهد می‌تواند در همهٔ مسائل از او تقلید کند.

آیهٔ اللّه بهجت: فقها حیات را شرط می‌دانند؛ یعنی می گویند:

برای ابتدای تقلید باید از مجتهد زنده تقلید کرد و امّا اگر مرجع تقلید انسان از دنیا رفت، در اینکه آیا می‌تواند بر تقلید باقی بماند یا باید به مجتهد زنده مراجعه نماید، مورد

ص:۱۲

اختلاف است، پس اگر کسی در این مسأله مجتهد بود طبق نظر خودش عمل می‌کند وگرنه طبق نظر مجتهد زنده عمل می‌کند.
باقی ماندن بر تقلید میّت در مسائلی که در آنها تقلید و عمل کرده است، در صورتی که مجتهدی که از دنیا رفته با مجتهد زنده از نظر علمی مساوی باشند، بنابر اقوی جایز است، هر چند با اجازهٔ مجتهد دیگری بر تقلید باقی بوده و عمل کرده باشد؛ و اگر مجتهدی که از دنیا رفته اعلم باشد، واجب است بر تقلید او باقی بماند و اگر مجتهد زنده بعداً اعلم شد واجب است در تمامی مسائل به او عدول نماید.

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: اگر مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند از دنیا برود، در صورتی که فتوای او در نظر مقلّد بوده و فراموش نکرده باشد، حکم بعد از فوت او حکم زنده بودنش است؛ واگر فتوای او را یاد نگرفته (خویی: یا فراموش کرده است) لازم است به مجتهد زنده رجوع کند.

(تبریزی: و بعید نیست در صورتی که فراموش کرده است باز بتواند به فتوای او عمل کند.)

آیهٔ اللّه زنجانی: اگر انسان مجتهدی را در زمانی که می‌توانسته از او تقلید کند - یعنی در هنگامی که ممیّز بوده و خوب و بد را می‌فهمیده (هر چند بالغ نشده) - درک کند، می‌تواند پس از مرگ آن مجتهد از او تقلید کند، خواه در زمان زنده بودن مجتهد از او تقلید کرده باشد یا از او تقلید نکرده باشد، در غیر این صورت، بنابر احتیاط عمل کردن به فتوای مجتهدی

ص:۱۳

که از دنیا رفته جایز نیست.

و چنانچه مجتهـدی که انسان از او تقلید می‌کند از دنیا برود حکم بعد از فوت او حکم زنده بودنش است، بنابراین اگر مجتهدی که از دنیا رفته اعلم باشـد یا در صورت تساوی به فتوای او عمل کرده باشـد، لازم است بر فتوای او باقی بمانـد و اگر مجتهـد زنده اعلم شـده باشد، باید به او مراجعه شود و اگر به فتوای مجتهد متوفی که با مجتهد زنده مساوی است عمل نکرده باشد، از هر یک از آنها که بخواهد می‌تواند تقلید کند.

و اگر مجتهـد پیش از عمل کردن به فتوای او از دنیا برود و انسان به فتوای مجتهـد مساوی دیگر عمل کنـد دیگر نمی‌تواند به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته عمل نماید.

آیهٔ اللّه سبحانی: ابتدای تقلید باید از مجتهد زنده باشد و اگر مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند از دنیا برود باید از مجتهد زنده تقلیـد کنـد ولی مسائلی که آنها را یاد گرفته است می‌تواند بر تقلید قبلی باقی بماند در این صورت حکم بعد از وفات او حکم زنده بودنش است.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند از دنیا برود، حکم بعد از فوت او حکم زنده بودنش است.

بنابراین، اگر او اعلم از مجتهـد زنده باشد باید - با علم به اختلاف در مسائل محل ابتلا ولو اجمالاً - بر تقلید او باقی بماند و چنانچه مجتهد زنده اعلم از او باشد، باید به مجتهد زنده رجوع کند. و اگر اعلمیتی در میان آنها معلوم نشود یا

ص:۱۴

مساوی باشند مخیّر است عمل خود را با فتوای هر کدام تطبیق نماید مگر در موارد علم اجمالی یا قیام حجّت اجمالی بر تکلیف مانند موارد اختلاف در قصر و تمام که بنابراحتیاط واجب باید رعایت هر دو فتوا را بنماید و مراد از تقلید در صدر این مسأله صرف التزام به متابعت از فتوای مجتهد معیّن است نه عمل کردن به دستور او.

آیـهٔ اللّه صافی: بلکه جواز بقا بر تقلیـد او در سایر مسائل نیز بعیـد نیست. ولی اگر مجتهـد میّتی که از او تقلید می‌کرده، اعلم از حی باشد، بقا بر تقلید او، بنابر احتیاط، واجب است؛ چنانکه اگر مجتهد حیّ، از میّت اعلم باشد عدول به حیّ واجب است.

آیـهٔ اللّه فاضل: مسأله باقی ماندن بر تقلید میّت جایز است در صورتی که مجتهد میّت و مجتهد حیّ مساوی در علم باشند و چنانچه یکی از آن دو اعلم باشد تقلید از اعلم لازم است و در باقی ماندن بر تقلید میّت، فرقی بین مسائلی که عمل نموده ومسائلی که عمل ننموده وجود ندارد.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: اگر مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند از دنیا برود، باید از مجهتد زنده تقلید کند. ولی کسی که در مسأله‌ای به فتوای مجهتدی عمل کرده یا آن را یاد گرفته و ملتزم به عمل به آن شده باشد، اگر بعد از مردن آن مجتهد در آن مسأله به فتوای مجتهد زنده رفتار نکرده باشد، می‌تواند در آن مسأله به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته باقی باشد.

ص:۱۵

اگر چه احتیاط مستحب آن است که به فتوای مجتهد زنده رفتار نماید.

آیـهٔ اللّه مکارم: هر گاه مجتهـدی که انسان از او تقلیـد می‌کنـد از دنیا برود، باقی مانـدن بر تقلیـد او جایز است بلکه اگر اعلم باشـد واجب است، به شرط اینکه عمل به فتوای او کرده باشد و یا حداقل فتوای او را برای عمل گرفته باشد.

عمل کردن به فتوای مجتهد مرده ابتداءً جایز نیست هر چند اعلم باشد بنابر احتیاط واجب.

رجوع به فالاعلم

س۲ – اگر اعلم در مسأله ای فتوا نـداده و تنها احتیاط واجب کرده است، ولی فالأعلم آن احتیاط را نـدارد، آیا لازم است مقلِّد اعلم بدانـد مرجعش احتیـاط واجب کرده و بایـد نیت رجوع به فالأعلم کنـد، یا همین که در مقام انجام وظیفه شـرعی بوده و عملش طبق فتـوای فالأعلم اسـت کـافی اسـت؟ به عبـارت دیگر، اگر اعلم مثلاً در احرام از مکّه قـدیم احتیـاط واجب است، ولی فالأعلم چنین احتیاطی نداشـته، و مقلِّد اعلم از مکّه جدیـد محرم شـده و بعد از اعمال حجّ فهمیده است که اعلم چنین احتیاطی داشـته، آیا عملش صحیح است یا خیر؟ و اکنون چه وظیفه ای دارد؟

آیهٔ اللّه تبریزی «ره» : پس از فهمیدن فتوای فالأعلم در تصحیح عمل، به فتوای وی استناد می کند.

ص:۱۶

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر مطابقت با فتوای کسی که می‌تواند از او تقلید کند داشته باشد، الآن می‌تواند به او رجوع کند.

آیـهٔ اللّه صـافی: در فرض سؤال، بعـد از خـاتمه اعمال نیت کنـد که آنچه انجام داده ام بر طبق نظر فالأعلم باشـد اشـکال نـدارد البته مشروط به این که هنگام احرام از مکّه جدید قصد قربت از او متمشی شده باشد.

آیهٔ اللّه فاضل: همین که عمل مطابق فتوای مشـهور باشد صـحیح است و نیت رجوع و حتی گفتن و ارجاع دادن لازم نیست. بلی اگر سؤال کردنـد باید گفت و اگر بعد از عمل متوجه آن احتیاط شدند اعاده لازم نیست، هرچند اگر بخواهند طبق احتیاط اعاده و عمل کنند مانعی ندارد.

آیهٔ اللّه مکارم: بعد از اعمال حجّ رجوع به فالأعلم می کند و چون عمل گذشته او با آن هماهنگ است، اعاده لازم نیست.

آیهٔ اللّه سبحانی : همین که عمل او با فتوای فالاعلم مطابق بوده و مجاز بوده که به او مراجعه کند کافی است. واللّه العالم

مسائل اختصاصی بقاء بر تقلید

آیهٔ اللّه بهجت:

مسألهٔ ۱۳: اگر مسـائلی را از مجتهـد میّت یـاد گرفته و بنـا داشـته عمـل کنـد، چنانچه عمل نکرده و یا شک در عمل کردن دارد، در صورت بقا بر تقلید میّت، نمی‌تواند در آن مسائل باقی بر تقلید بماند، هر چند مجتهد میّت اعلم باشد.

مسألهٔ ۱۴: شخصی که مقلد مرجعی بوده و بعد از وفات او بر طبق

ص:۱۷

نظر مرجعی دیگر بر تقلید باقی مانده، ولی در بعضی از فتاوی؛ از قبیل بلاد کبیره و شب مهتاب یا هر مسألهٔ دیگر، به مرجع دوّم عدول کرده، بعد از وفات مرجع دوّم، در صورت بقا، نمی‌تواند در این مسائل به مرجع اوّل برگردد ولی می‌تواند به تقلید مرجع دوّم باقی باشد.

مسألهٔ ۱۵: کسی که مقلّد مرجعی بوده و بعد از وفات او به فتوای مرجعی دیگر به تقلید اوّل باقی بوده، پس از وفات مرجع دوّم، در صورت جواز بقا تنها در مسائلی که طبق فتوای مجتهد اوّل عمل کرده می‌تواند باقی بماند و اگر چند مرجع داشته و بعد از وفات هر کدام طبق موازین از دیگری تقلید کرده و با اجازه بعدی بر تقلید باقی مانده و در نتیجه از هر مجتهد چند مسأله عمل کرده است، در آن مسائل می‌تواند بر تقلید مجتهدین قبلی باقی بماند، ولی در هر صورت در مسائلی که عمل نکرده باید به فتوای مجتهد زنده عمل کند.

مسألهٔ ۱۶: شخصی که مقلّد مرجعی بوده، بعد از فوت آن مرجع اگر احراز و یا احتمال اعلمیّت میّت در بین نباشد، رجوع به مجتهد زنده جایز است و در صورتی که مجتهد زنده اعلم باشد یا احتمال اعلمیّت او در بین باشد، رجوع به او واجب است.

آیهٔ اللّه زنجانی: اگر انسان به فتوای مجتهدی عمل کرد، نمی‌تواند از مجتهد دیگر تقلید کند، مگر مجتهد دیگر اعلم از مجتهد اوّل شده باشد که لازم است به فتوای مجتهد دیگر عدول کند.

ص:۱۸

استطاعت

س۳ – برخی از زائران ثبت‌نام شده حج، از معلولیت جسمی به دلیل قطع نخاع و یا شیمیایی شدید و یا بیماری اعصاب و روان حادّ برخوردارند که در انجام اعمال حج دچار مشکل می‌شوند و برخی اعمال از قبیل طواف و نماز طواف را به ناچار باید نائب بگیرند و در مواقف، وقوف اضطراری کنند، امکانات عربستان نیز پاسخگوی آنان خصوصاً در مواقف نیست، [همچنین] ساختمان‌ها مناسب شرایط آنان نمی‌باشد، مثلاً ویلچر درون حمام‌ها نمی‌رود، از سرویس‌های‌بهداشتی خصوصاً در عرفات و منا یا نمی‌توانند استفاده کنند و یا استفاده سخت است.

اکنون با توجه به آنچه ذکر شد بفرمایید:

۱. آیا با شرایط فوق، اینگونه افراد شرعاً استطاعت دارند یا خیر؟

۲. در صورت مستطیع بودن، با توجه به اینکه از اول می‌دانند که شخصاً نمی‌توانند این اعمال را انجام دهند، تکلیف شرعی آنها چیست؟

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: اگر سایر شرائط استطاعت فراهم است و رفتن به حجّ برای خود آنان موجب حرج و سختی زیاد نباشد باید بروند و در غیر این‌صورت مستطیع نیستند و در صورتی که حجّ بر آنان از قبل مستقر شده باشد، باید نایب بگیرند.

ص:۱۹

آیهٔ اللّه سیستانی: جواب سؤال اوّل: اگر از رفتن به حج به حرج و مشقت زیاد می‌افتند حج بر آنها واجب نیست ولی باید برای حج نائب بگیرند. جواب سؤال دوّم: حکم آن روشن شد.

آیهٔ اللّه مکارم شیرازی: با توجه به شرایطی که ذکر کردید، اینگونه افراد مستطیع نیستند و در صورت لزوم باید نایب بگیرند و احتیاط آن است که عمره مفرده را به‌جا آورند.

آیهٔ اللّه صافی گلپایگانی: هر یک از افراد مذکور در سؤال که برای رفتن به حج در حرج شدید قرار می‌گیرند واجب نیست شخصاً به مکه مشرف شوند و در صورتی که حج بر آنها مستقر بوده و مأیوس از رفع حرج می‌باشند باید نائب بگیرند و اگر حج بر آنها مستقر نشده و فعلاً استطاعت مالی دارند ولی استطاعت بدنی ندارند، بنابر احتیاط واجب نائب بگیرند.

آیهٔ اللّه شبیری زنجانی: ج۱. در شرایط فوق افراد مذکور در سؤال مستطیع نیستند. ج۲. اگر حج بر عهده آنها مستقر بوده، باید بدون تأخیر برای انجام حج نایب بگیرند. هر چند اگر انجام حج برای خودشان ضرر اساسی نداشته باشد، شخصاً نیز می‌توانند حج خود را به جا آورند. واگر حج بر آنها مستقر نبوده چنانچه الان استطاعت مالی دارند و از این که بعداً نیز بتوانند شخصاً حج بجا آورند، مأیوسند باید بدون تأخیر نایب بگیرند. والله العالم.

آیهٔ اللّه سیدمحمّد شاهرودی: اگر استطاعت مالی دارد، ولی

ص:۲۰

استطاعت بدنی ندارد، باید نائب بگیرد.

آیة اللّه نوری همدانی: در هر دو مورد استطاعت محقق نیست و حج واجب نمی‌باشد.

آیة اللّه جوادی آملی: ۱. استطاعت مالی در فرض مزبور حاصل است، ۲. چون مباشرت عسر و حرج است نائب بگیرد.

آیة اللّه موسوی اردبیلی: ظاهراً در صورتی که از سایر جهات مستطیع باشند و بتوانند محرم شوند و وقوف در عرفات و مشعر الحرام ولو به نحو اضطراری داشته باشند لازم است به حج بروند و محرم شوند و به وظیفه معذور در مثل طواف و سعی و رمی جمرات عمل کنند. جهات ذکر شده مانع از استطاعت نمی‌شود مگر آنکه رفتن به حج ملازم با جهات ذکر شده باشد و این جهات موجب عسر و حرج بر این افراد باشد و یا این که توان مالی‌این هزینه‌ها را نداشته باشند.

آیة اللّه سبحانی: محروم کردن افراد معلول که استطاعت مالی برای خود و همراه دارند، جائز نیست. از آنجا که رکن حج همان وقوف در عرفات و مشعر است، می‌توانند از نظر وقوف به اقل اکتفا کنند. دو ساعت قبل از غروب از مکه حرکت کرده، مقداری در عرفات وقوف کنند، سپس به مشعر رفته پس از نیمه شب به سمت منا و از آنجا هم به مکه بروند. اعمال منا را نائب انجام دهد و در اعمال حج، طواف و سعی را خود انجام می‌دهند.

ص:۲۱

نیابت

وظیفهٔ نایب نسبت به مستحبات حج

س۴ – کسی که در انجام حج بلدی نیابت دارد، چه مقدار از مستحبات مدینه و مکه را باید به نیابت از منوب‌عنه انجام دهد؟

آیـهٔ اللّه تبریزی: مستحبات مـدینه ومکه اگر در ضـمن اجـاره ذکر نشود، بر عهـدهٔ اجیر نیست. بلی، آن مسـتحباتی که در خود حج وعمره متعارف است باید اتیان شود، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه سبحانی: در این مورد باید طبق قرارداد عمل کند و مستحباتی را که نوعاً انجام داده می‌شود، انجام دهد.

آیهٔ اللّه سیسـتانی: باید طبق عقد اجاره عمل کند مگر این که اطلاق نیابت طبق عرف عام یا خاص منصرف به انجام بعضی از اعمال باشد.

آیهٔ اللّه صافی: اگر در ضـمن عقد اجاره نسـبت به مسـتحبّات، خصوصیاتی ذکر نشده باشد، احتیاط این است که مستحباتی را که به طور متعارف همه یا اکثر حجاج انجام می‌دهند و زحمت معتدّ به ندارد، اقلاً یکبار به نیت منوب عنه بجا آورد، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه فاضل: به مقدار متعارف انجام دهد.

آیهٔ اللّه مکارم: به مقداری که در نیابت متعارف است انجام می‌دهد، مگر این که شرط خاصی کرده باشند.

آیهٔ اللّه نوری: مقداری که حجّاج به طور معمول ومتعارف انجام

ص:۲۲

می‌دهند لازم است، مگر این که بیش از آن شرط شده باشد.

س۵ – کسی که در انجام حج بلدی نیابت دارد، آیا در برگشت از سفر حج نیز باید به شهر منوب‌عنه برگردد یا لزومی ندارد؟

آیة اللّه تبریزی: لزومی ندارد، واللّه العالم.

آیة اللّه سبحانی: خروج از مکه و یا رجوع به شهر منوب‌عنه لازم نیست.

آیة اللّه سیستانی: لازم نیست.

آیة اللّه صافی: برگشت به شـهر منوب عنه لازم نیست بلکه در استیجار و تحقّق نیابت شـرط بازگشت از مکّه مطلقاً معتبر نیست ولی اگر اجیر کننده اجیر را برای رفتن به حج و برگشتن به شهر منوب عنه اجاره کند، اجیر باید طبق قرار اجاره عمل نماید، واللّه العالم.

آیة اللّه فاضل: خیر، لازم نیست، مگر این‌که در ضمن عقد اجاره شرط شده باشد.

آیة اللّه مکارم: لزومی ندارد.

آیة اللّه نوری: برگشتن به شهر منوب عنه لازم نیست مگر این که شرط شده باشد.

محل احرام برای نایب

س۶ – شخصی در مدینهٔ منوره، دیگری را اجیر می‌کند که برای پدروی حج میقاتی بجا آورد ولی مشخص

ص:۲۳

نکرده است که از مسجد شجره محرم شود یا میقاتهای دیگر، آیا اجیر می‌تواند از مسجد شجره به نیّت عمرهٔ مفرده محرم شود وپس از آن به جحفه یا قرن المنازل برود وبرای عمرهٔ تمتّع استیجاری محرم شود؟

آیـهٔ اللّه تـبریزی: در صورتی که قرینه‌ای ولو از جهت تعـارف بر احرام از مسـجد شـجره احراز نشود می‌توانـد از خود چهـار میقـات دیگر نیز محرم شود، واللّه العالم.

آیـهٔ اللّه خـامنه‌ای: در فرض مـذکور اجیر می‌توانـد از هر کـدام از مواقیت معروف، به نیابت محرم شود. مگر این که اجیر گرفتن در مدینه، قرینه باشد بر این که مستأجر نظرش مسجد شجره بوده که در این صورت باید از مسجد شجره محرم شود.

آیـهٔ اللّه سـبحانی: ظاهر قرارداد این است که از مسـجد شـجره احرام ببنـدد زیرا مردم مـدینه و کسانی که وارد آنجا شده‌انـد بایـد از همان نقطه احرام ببندند.

آیهٔ اللّه سیستانی: ظاهراً این استیجار منصرف است به احرام از مسجد شجره ولی اگر چنین نباشد یا تصریح به عدم تقیید کند اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه صافی: اگر منصرف به احرام او از مسجد شجره نباشد مانعی ندارد، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه فاضل: چنانچه عقد اجاره انصراف و یا ظهور عرفی در احرام از خصوص مسجد شجره را نداشته باشد

ص:۲۴

اشکالی ندارد.

آیـهٔاللّه مکـارم: اگر منظـور این است که عمرهٔ مفرده را انجـام دهـد و بعـد به میقـات برگردد برای عمرهٔ تمتع استیجـاری محرم شود مانعی ندارد، مشروط بر این که فاصله میان دوعمره مطابق فتوای ما حفظ شود.

آیهٔ اللّه نوری: اگر قرینه‌ای در بین نباشد که منظور مستأجر احرام از مسجد شجره است می‌تواند.

عمرهٔ مفرده به نیابت از خود و دیگران

س۷- انجام یک عمرهٔ مفردهٔ استحبابی، به نیت خود و به نیابت تبرّعی دیگران، صحیح است یا نه؟

آیهٔ اللّه تبریزی: صحیح است، واللّه العالم

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: مانع ندارد و صحیح است.

آیهٔ اللّه سبحانی: احتیاط آن است که یا برای خود یا برای دیگران طواف کند.

آیهٔ اللّه سیستانی: اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه صافی: اشکال ندارد، واللّه العالم

آیهٔ اللّه فاضل: مانعی ندارد و صحیح است.

آیهٔ اللّه مکارم: احتیاط آن است آن را به نیّت خود بجا آورد و هر مقدار از ثواب آن را که می‌خواهد بر دیگران هدیه کند.

آیهٔ اللّه نوری: صحیح است.

ص:۲۵

احرام

احرام از جدّه

س۸ – شخصی از روی جهل به مسأله در فرودگاه جدّه برای عمرهٔ مفرده محرم می‌شود وپس از انجام طواف و نماز و سعی متوجه می‌شود که می بایست به یکی از مواقیت برود، تکلیف او در این صورت چیست؟

آیهٔ اللّه تبریزی: احتیاطاً به یکی از مواقیت ولو به جحفه برود و برای عمرهٔ مفرده احرام ببندد و اعمال عمرهٔ مفرده را انجام دهد، واللّه العالم.

آیهٔاللّه خامنه‌ای: فعلاً تکلیفی ندارد، بلی اگر از طرف کسی نایب بوده و یا به سبب نذر عمره واجب شده باشد کفایت نمی‌کند.

آیهٔ اللّه سبحانی: در جده احرام ببندد و لبیک بگوید و سپس در ادنی‌الحل که همان حدیبیه است تجدید احرام بکند و اگر این کار را نکرده بنابر احتیاط باید برگردد در ادنی‌الحل محرم شود و اعمال را اعاده کند.

آیهٔاللّه سیستانی: عمرهٔ او باطل است و اگر نمی‌تواند به میقات برود می‌تواند از أدنی‌الحِلّ؛ مانند مسجد تنعیم، دوباره مُحرم شود و اعمال را انجام دهد.

آیهٔ اللّه صافی: در فرض سؤال، احتیاطاً بقیّه اعمال عمره را اتمام کند و چنانچه عمرهٔ مفرده به نذر و غیره واجب بوده اکتفا به آن نکند و از ادنی الحلّ محرم شود و عمره واجبهٔ

ص:۲۶

خود را انجام دهد، واللّه العالم.

آیـهٔاللّه فاضـل: در فرض سؤال، عمره باطل است و تکلیف خاصّی نـدارد و چنانچه عمره به جهتی بر او واجب بوده است یا بخواهد یک عمرهٔ مستحبی انجام دهد باید به یکی از مواقیت برگردد ولو به ادنی‌الحل و محرم شود و اعمال را انجام دهد.

آیـهٔاللّه مکارم: احرام عمرهٔ مفرده منحصـر به مواقیت معروف نیست. اگر این شـخص توجه می‌داشت و نیت احرام را در حـدیبیّه که نقطه‌ای است میان جده و مکه یا محاذات آن تجدید می کرد، عمره‌اش صحیح بود و همچنین اگر در جده نذر احرام کرده بود عمرهٔ او بی‌اشـکال بود ولی حالاـ که هیـچ یـک از این دو کـار را انجام نـداده احرامش باطل است و بایـد به تنعیم که ادنی‌الحلّ محسوب می‌شود و امروز در کنار شهر مکه قرار گرفته، برود و از آنجا محرم شود و عمره را تجدید کند.

آیهٔ اللّه نوری: اگر بعد از اعمال متوجّه شود عمرهٔ او صحیح است.

احرام از حدیبیه

س۹ – خواهشـمند است بفرمایید آیا زائران ایرانی بیت اللّه الحرام در موسم حج و یاعمره می‌توانند از میقات حدیبّیه محرم شوند؟ و آیا حدیبّیه نیز مانند سایر مواقیت از قبیل میقات شجره و جحفه می‌باشد یا خیر؟

ص:۲۷

آيهٔ اللّه تبريزى: چنانچه متمكن است، بنابر احتياط بين وظيفهٔ مصدود و اتيان به عمرهٔ مفرده جمع نمايد، واللّه العالم.

آيـهٔ اللّه سـبحانى: كسـى كه از يكى از مواقيت عبور نمى‌كنـد مى‌توانـد از نزديـك‌ترين نقاط به حرم محرم شود و يكى از آن نقاط حديبيّه است.

آيهٔ اللّه سيسـتانى: حديبيّه مانند تنعيم ميقات عمرهٔ مفرده است براى كسانى كه داخل مكّه هسـتند چه اهل مكه باشند و چه حاجيانى كه پس از اعمال حج مى‌خواهند عمرهٔ مفرده انجام دهند.

آيهٔ اللّه صافى: حجاج ايرانى براى انجام عمره تمتع بايد از يكى از مواقيت پنجگانه معروفه محرم شوند مانند مسجد شجره و جحفه و از حـديبيّه مجزى نيست و همينطور براى عمره مفرده، لكن در عمرهٔ مفرده اگر عصـياناً از ميقات عبور كرده و از حـديبيّه محرم شود عمره صحيح است و چيزى بر او نيست. و اللّه العالم.

آيـهٔ اللّه فاضـل: ميقات عمرهٔ تمتع يكى از مواقيت پنجگانه معروفه است كه در مسألـهٔ ۹۸ تا ۱۰۷ مناسك حـج بيان شده است. و در صورت عـدم عبور از آنها، لازم است از محاذى يكى از آنها محرم شود. لذا كسانى كه براى حج تمتع از جده به مكه مى‌روند. بايد به جحفه يا يكى از مواقيت معروفهٔ ديگر بروند و از آنجا محرم شوند و الّا از محاذى يكى از آنها محرم بشوند. و در غير اين صورت احرام عمرهٔ تمتع صحيح نيست.

ص:۲۸

ولی میقات برای احرام عمره مفرده علاوه بر مواقیت پنجگانه معروفه ادنی الحل نیز می‌باشد امّا افضل این است که در حدیبیّه یا جِعرانه یا تنعیم محرم شوند. بلی اگر کسی برای عمرهٔ مفرده از یکی از مواقیت پنجگانه با تمکن از احرام، بدون احرام عبور کند مرتکب معصیت شده است ولی احرامش از حدیبیه یا جعرانه یا تنعیم صحیح است.

بنابراین کسانی که از جده برای عمره مفرده به مکه می‌روند می‌توانند از حدیبیّه یا جعرانه یا تنعیم محرم شوند و معصیتی نیز مرتکب نشده‌اند چون از مواقیت پنجگانه عبور نکرده‌اند.

آیهٔ اللّه مکارم: ۱- حدیبیه میقات عمره مفرده است (نه میقات عمرهٔ تمتع) برای کسانی که از جده به سوی مکه می‌آیند ۲ - از جواب بالا معلوم شد.

آیهٔ اللّه نوری: کسانی که از جدّه به مکّه می‌روند لازم است که به جحفه بروند و از آنجا محرم شوند و افرادی که از مدینه به مکه می‌روند باید از مسجد شجره محرم شوند. و در این حکم فرقی بین این که قصد عمرهٔ تمتع و انجام حجّ تمتع داشته باشد یا قصد عمرهٔمفرده داشته باشد نیست.

بلی کسی که در مکه است و می‌خواهد عمره مفرده انجام دهد می‌تواند به حدیبیه برود و از آنجا محرم شود.

ص:۲۹

لباس احرام بانوان

س ۱۰- شرایط لباس احرام بانوان چیست؟

آیـهٔ اللّه تبریزی: زنان می‌تواننـد در لباس دوخته محرم شونـد ولی سایر شـرایط لباس احرام مردان را در آن باید رعایت نمایند، واللّه العالم.

آیهٔاللّه خامنه‌ای: زنان می‌توانند در لباس خودشان محرم شوند و لباس احرام زنان شرط خاصی ندارد.

آیهٔ اللّه سبحانی: شرایط آن همان شرایط لباس احرام مرد است.

آیهٔ اللّه سیستانی: می‌توانند در لباس‌های معمولی خود احرام ببندند، مشروط به اینکه: ۱ - به احتیاط واجب از حریر خالص نباشد. ۲ - از اجزای درندگان نباشد بلکه به احتیاط واجب از اجزای حیوانات حرام گوشت نباشد.

۳ - زربافت نباشد. ۴ - نجس نباشد مگر نجاستی که در نماز معفوّ است؛ مانند خون زخم یا خونی که کمتر از بندِ سـرانگشت ابهام است و زن نباید دستکش بپوشد.

آیهٔاللّه صافی: پوشـیدن لباس احرام برای بانوان واجب نیست بلی استحباب دارد و اگر بخواهند به استحباب عمل کنند، شرایط آن با لباس احرام مردان تفاوت ندارد، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه فاضل: لباس احرام بانوان شـرط خاصی ندارد واحتیاط مستحب آن است که در حال نیت و تلبیه بانوان نیز دو لباس احرام را بپوشند.

ص:۳۰

آیهٔاللّه مکارم: برای زن لباس خاصی شرط نیست، خواه دوخته باشد یا غیر دوخته و هر رنگی که باشد، هر چند انتخاب رنگ سفید بهتر است ولی جنس آن باید حریر خالص نباشد.

آیـهٔ اللّه نوری: بانوان می‌تواننـد در لباس خودشان به هر نحوی که هست احرام ببندنـد، چه دوخته باشـد یا نباشـد ولی حریر خالص نباشد.

وقف به حرکت و وصل به سکون در تلبیه

س۱۱- وقف به حرکت و وصل به سکون در تلبیه چه حکمی دارد؟

آیهٔ اللّه تبریزی: بسمه تعالی، احتیاط مستحب ترک آن است.

واللّه العالم.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: بسمه تعالی، تلبیه باید نزد اهل لسان صحیح باشد.

آیهٔ اللّه سیستانی: اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه صافی: اشکال ندارد اگر چه احوط و اولی مراعات عدم وصل به سکون و وقف به حرکت است. واللّه العالم

آیهٔ اللّه فاضل «ره» : مانعی ندارد.

آیهٔ اللّه مکارم: در هر دو صورت، اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه نوری: احتیاط واجب در مراعات است.

آیهٔ اللّه سبحانی: اشکال ندارد ولی بهتر است این امر را رعایت کند. واللّه العالم

ص:۳۱

محرمات احرام

خوردن سبزی‌های خوشبو

س۱۲ - خوردن نعنا و سایر سبزی‌های خوشبو در حال احرام چه حکمی دارد؟

آیة اللّه تبریزی: مانعی ندارد و احتیاط مستحب آن است که آن را نبوید، واللّه العالم.

آیة اللّه سبحانی: بوییدن حرام است ولی خوردن بدون بوییدن مانع ندارد.

آیة اللّه سیستانی: جایز است ولی به احتیاط واجب باید در وقت خوردن، از بوییدن آنها خودداری نماید.

آیة اللّه صافی: بنابر احتیاط از خوردن نعنا وسبزی‌های خوشبو اجتناب شود، واللّه العالم.

آیة اللّه فاضل: احتیاطاً جایز نیست.

آیة اللّه مکارم: اشکالی ندارد.

آیة اللّه نوری: جایز نیست.

استفاده از بوی خوش برای کسی که حس بویایی

ندارد

س۱۳ - کسی که حسّ بویایی ندارد یا به علت زکام و سرماخوردگی بویی را احساس نمی کند، استعمال طیب و عطر زدن به بدن و لباس و گرفتن بینی از بوی

ص:۳۲

بد بر او حرام است یا نه؟

آیهٔ اللّه تبریزی «ره» : استعمال طیب بر او حرام است و نسبت به گرفتن بینی از بو، چنانچه شخص بو را احساس می کند ولو مختصر، گرفتن بینی از بوی بد جایز نیست.

آیهٔ اللّه سیستانی: استعمال و عطر زدن حرام است ولی اگر احساس بوی بد نمی‌کند گرفتن بینی حرام نیست.

آیهٔ اللّه صافی: استعمال طیب و گرفتن بینی از بوی بد برای چنین کسی هم حرام است.

آیهٔ اللّه فاضل: بلی، در فرض سؤال نیز استعمال طیب و عطر زدن و بینی را از بوی بد گرفتن حرام است.

آیهٔ اللّه مکارم: استعمال عطر برای او نیز اشکال دارد ولی گرفتن بینی از بوهای خوب و بد لازم نیست.

آیهٔ اللّه سبحانی: استعمال طیب بر او حرام است و اگر اصلاً احساس بو نمی‌کند گرفتن بینی‌از بوی بد اشکال ندارد. واللّه العالم

پوشیدن دمپایی دوخته

س۱۴- پوشیدن دمپایی دوخته برای مرد محرم چه حکمی دارد؟

آیهٔ اللّه تبریزی: در صورتی که مقداری روی پا باز باشد مانعی ندارد، واللّه العالم.

آیهٔاللّه خامنه‌ای: پوشیدن لباس مخیط بر محرم جایز نیست و اگر لباس صدق نکند اشکال ندارد، البته مشروط به این که

ص:۳۳

تمام روی پا پوشیده نشود.

آیهٔ اللّه سبحانی: اگر مقداری از روی پا باز باشد مانعی ندارد.

آیهٔاللّه سیستانی: اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه صافی: اشکال ندارد، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه فاضل: مانعی ندارد.

آیهٔاللّه مکارم: اشکالی ندارد به شرطی که روی پای او را نگیرد ولی بهتر است مردان در حال احرام چنین کفشی نپوشند.

آیهٔ اللّه نوری: اشکال دارد.

بند دوخته ساعت مچی

س۱۵- به مچ بستن ساعتی که بند آن دوخته است چه حکمی دارد؟

آیهٔ اللّه تبریزی: مانعی ندارد، واللّه العالم.

آیهٔاللّه خامنه‌ای: چنانچه گذشت، پوشیدن چیزی که بر آن لباس صدق نکند، هر چند مخیط باشد اشکالی ندارد.

آیهٔ اللّه سبحانی: بنابر احتیاط از ساعتی که بند آن دوخته است اجتناب کند.

آیهٔاللّه سیستانی: اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه صافی: بنابر احتیاط واجب از بستن آن در حال احرام خودداری کند، واللّه العالم.

آیهٔاللّه فاضل: اشکال ندارد.

آیهٔاللّه مکارم: اشکالی ندارد.

آیهٔ اللّه نوری: اشکال دارد.

ص:۳۴

طواف

شکّیات طواف

س۱۶ – شخصی در پایان یکی از اشواط طواف، آن را رها کرده و لحظه‌ای استراحت می‌کند و هنگامی که برای تکمیل آن برمی‌گردد، شک می‌کند که شوط پنجم بوده یا ششم، تکلیفش چیست؟

آیهٔ اللّه تبریزی: چنانچه طواف واجب بوده باطل است و باید آن را اعاده نماید، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: شک در عدد اشواط طواف بین ۵ و ۶ در هر صورت مبطل طواف است.

آیهٔ اللّه سبحانی: طواف او باطل است.

آیهٔ اللّه سیستانی: طوافش باطل است و باید از سر بگیرد.

آیهٔ اللّه صافی: در فرض سؤال، ظاهراً طواف مذکور باطل است باید از آن طواف صرف نظر کند و طواف دیگر انجام دهد، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه فاضل: طواف وی در فرض سؤال باطل است.

آیهٔ اللّه مکارم: احتیاط واجب آن است که آن را رها کند و از نو شروع کند.

آیهٔ اللّه نوری: طوافش باطل است.

بطلان طواف

س۱۷ – شخصی عمرهٔ مفرده‌ای به نیابت از پدرش انجام

ص:۳۵

داده و روز بعد به نیابت مادرش محرم می‌شود و در اثنای آن، متوجه می‌شود که در عمرهٔ اوّل طواف و نماز آن را بدون وضو انجام داده است، وظیفهٔ او در این صورت چیست؟

آیهٔ اللّه تبریزی: بنابر احتیاط طواف و نماز آن را قضا نماید و پس از آن تمام اعمال عمره مفرده به قصد ما فی الذمه انجام دهد، واللّه العالم

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: باید طواف و نماز عمره اول را اعاده نماید و احرام دوم نیز صحیح است.

آیهٔ اللّه سبحانی: چون از احرام بیرون نیامده است برگردد همه اعمال عمره اول را به‌جا آورد و سپس برای عمره دوم محرم شود.

آیهٔ اللّه سیستانی: احرام دوّم باطل است و باید همهٔ اعمال عمرهٔ اوّل را اعاده کند.

آیهٔ اللّه صافی: در فرض سؤال، طواف و نماز عمره‌ای را که به نیابت پدر انجام داده اعاده نماید، واللّه العالم

آیهٔ اللّه فاضل: ابتدا طواف و نماز طواف عمرهٔ سابق را بجا آورد سپس اعمال عمرهٔ فعلی را انجام دهد.

آیهٔ اللّه مکارم: طواف و نماز عمرهٔ اوّل را اعاده می‌کند و عمرهٔ دوّم را به قصد رجاء ادامه می‌دهد (توجّه داشته باشد که در یک ماه قمری بیش از یک عمره نمی‌توان انجام داد مگر اینکه بر نیّت رجاء؛ یعنی به امید اینکه مطلوب باشد) .

ص:۳۶

آیهٔ اللّه نوری: بعد از اتمام عمرهٔ دوّم طواف و نماز آن را که از عمرهٔ اوّل بجا مانده است بجا بیاورد صحیح است.

نجاست معفوّ در طواف

س۱۸- آیا نجاست معفوّ در نماز، در طواف نیز معفوّ است؟ و حکم محمول متنجس در طواف چیست؟

آیهٔ اللّه تبریزی: نجاست معفوّ در نماز، بنابر احتیاط در طواف معفوّ نیست و محمول متنجس مضر به طواف نیست، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه سبحانی: نجاستی که در نماز از آن عفو شده در طواف از آن عفو نشده است ولی حمل چیز نجس که ساتر نباشد مانند دستمال نجس ضرری به صحت طواف نمی‌زند.

آیهٔ اللّه سیستانی: به احتیاط واجب معفوّ نیست ولی حمل متجنس اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه صافی: بنابر احتیاط نجاست معفوّ در نماز، در طواف معفوّ نیست اما محمول متنجس اگر ساتر نباشد اشکال ندارد، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه فاضل: احتیاط واجب آن است که از نجاساتی که در نماز عفو شده و از محمول متنجس اجتناب شود.

آیهٔ اللّه مکارم: نجاسات معفوّ نیست (بنابر احتیاط واجب) ولی محمول متنجّس اشکالی ندارد.

آیهٔ اللّه نوری: در طواف معفوّ نیست و محمول هم باید متنجّس نباشد.

ص:۳۷

غسل مستحب طواف

س۱۹ - آیا بجز غسل مستحبی برای رفتن به مسجدالحرام، غسل دیگری برای طواف مستحب است و درصورت وجود چنین استحبابی، آیا یک غسل به نیت هر دو کافی است؟

آیهٔ اللّه تبریزی: برای زیارت بیت‌اللّه غسل مستحب است و طواف، زیارت بیت است، واللّه العالم.

آیهٔ‌اللّه‌خامنه‌ای: برای‌خصوص طواف هم غسل مستحبی وارد شده است ولی می‌توانید هر دو را در یک غسل نیت کنید.

آیهٔ اللّه سبحانی: جمع آن دو در یک غسل اشکال ندارد.

آیهٔ‌اللّه سیستانی: غُسل زیارت کعبه مستحب است ولی استحباب غُسل دخول مسجدالحرام و غسلِ طواف ثابت نیست و اگر خواست انجام دهد به قصد رجاء اشکال ندارد و می‌تواند یک غسل را به نیّتهای متعدد انجام دهد.

آیهٔ‌اللّه صافی: غسل برای طواف بالخصوص، به نظر نرسیده است، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه فاضل: بلی برای هر دو مورد؛ یعنی دخول در مسجدالحرام و طواف غسل مستحب است و یک غسل به نیت هر دو کفایت می کند.

آیهٔ‌اللّه مکارم: ظاهراً طواف، غسلِ مستحب ندارد.

آیهٔ اللّه نوری: بجز غسل مستحبی برای رفتن به مسجدالحرام استحباب غسل دیگری برای طواف ثابت نیست.

ص:۳۸

هُل خوردن در طواف

س ۲۰ - شخصی در یکی از اشواط، گام‌هایی را در اثر فشار جمعیت بی‌اختیار پیموده و به همان نحو ادامه داده وطواف را پایان برده است، اکنون که مسأله را فرا گرفته، نه جای آن مقدار را می‌داند و نه شوط را، تکلیف او چیست؟

آیهٔ اللّه تبریزی: حرکت غیر اختیاری در فرض مزبور مضر به طواف نیست، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: اگر با قصد طواف نموده، اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه سبحانی: هرگاه از اول نیت کرده است این راه را به هر نحوی که پیش آید برود طواف او صحیح است و برده شدن به مقدار متعارفی که در ازدحام پیش می‌آید اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر کاملاً بی‌اختیار بوده طواف را پس از فوت موالات از سر بگیرد.

آیهٔ اللّه صافی: از طواف مذکور صرف نظر کند و طواف دیگر انجام دهد، واللّه العالم

آیهٔ اللّه فاضل: احتیاطاً خودش و اگر نمی‌تواند فردی را نایب کند تا یک طواف و نماز طواف برای او بجا آورد.

آیهٔ اللّه مکارم: اگر منظور از بی‌اختیار بودن این است که در وسط جمعیت قرار گرفته و قصد طواف دارد و جمعیت او را پیش می‌برند این وضع ضرری به طواف نمی‌زند.

آیهٔ اللّه نوری: لازم است طواف را اعاده کند.

ص:۳۹

طواف معذورین

س ۲۱ - افراد نـاتوان که قبلاـ بـا صـندلی چرخ‌دار (ویلچر) یـا سـبد (تخت روان) طواف داده می‌شدنـد، در سـال جاری از طواف در صحن مسـجدالحرام منع شده‌اند و حتی‌ممکن است کسی نباشد تا فرد ناتوان را بر دوش خود حمل کند و طواف بدهد یا همین کار نیز ممنوع شود و چنین افرادی بایـد در طبقه دوم یـا پشت‌بام مسـجدالحرام طواف داده شونـد. آیا چنین طوافی کفایت می‌کنـد یا نه، وظیفه آنان چیست؟

آیهٔ اللّه بهجت: در صورت عدم امکان، با رعایتِ الاقرب فالاقرب، کفایت می‌کند.

آیهٔ اللّه تبریزی: احتیاط واجب آن است که آن‌ها را از طبقه دوم طواف دهند و نایب هم برایشان بگیرند.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: هرگاه به هر جهت نتواند در صـحن مسـجدالحرام طواف کند، و باید طواف را در طبقه دوم انجام دهد، به احتیاط واجب بایـد چنین شخصـی خودش در طبقه دوم طواف کنـد و کسـی را هم نـایب بگیرد که برای او در صـحن مسـجد طواف انجام دهد، و نماز را هم خودش در طبقه دوم، و نائبش در صـحن مسجد بخوانند، واگر خودش بتواند در صحن مسجد نماز بخواند همان نماز او کفایت می‌کند

آیهٔ اللّه سیستانی: چنانچه احراز شود که طبقه دوم بالاتر از کعبه است، طواف از بالا کفایت نمی‌کند و باید برای طواف

ص:۴۰

از پـایین نایب بگیرنـد و لازم نیست احتیاط کننـد و چنانچه مطلب مشـکوک باشـد، بایـد احتیاطاً بین طواف از بالا و نایب گرفتن از پایین جمع نمایند.

آیـهٔ اللّه شبیری زنجانی: در مورد سؤال اگر ممکن باشد کسـی فرد ناتوان را بر دوش حمل کند، طواف در محدوده بین مقام ابراهیم و کعبه لازم است و در غیر این صورت باید نایب بگیرند تا در محدوده طواف کند و بنابر احتیاط مسـتحب نیز خود شخص در طبقه دوم طواف داده شود و چنانچه نیابت نیز ممکن نباشد طواف دادن شخص در طبقه دوم کفایت می کند.

آیـهٔ اللّه صـافی گلپایگـانی: در فرض مـذکور این افراد بایـد در طبقه دوم طواف داده شونـد و بنابر احتیاط واجب نایب هم گرفته تا برای آنان در صحن مسجدالحرام طواف نماید.

آیـهٔ اللّه فاضل: در فرض سؤال، چنانچه کعبه مقدسه از طبقه دوم پایین‌تر نباشد، احتیاط واجب آن است که علاوه بر این‌که در طبقه دوم طواف داده می‌شوند، استنابه هم بنماید؛ و اللّه العالم.

آیهٔ اللّه مکارم شیرازی: در این گونه موارد که راهی جز این نیست، طواف در طبقه بالا کفایت می کند.

آیهٔ اللّه نوری همدانی: طواف در طبقه فوقانی صـحیح نیست و این قبیل افراد باید به وسیله کول گرفتن طواف خود را انجام بدهند و اگر ممکن نشد، لازم است برای طواف خود نایب بگیرند.

ص:۴۱

آیـهٔ اللّه وحیـد خراسـانی: در مفروض سؤال بایـد نـایب بگیرد که در صـحن مسـجدالحرام طـواف نمایـد و در صـورتی که متمکّن می‌باشد و بر او حرجی نیست، احتیاط واجب آن است که خودش هم از طبقه دوم طواف نماید.

آیهٔ اللّه سبحانی: چنین فردی نایب بگیرد و بعداً نیز خودش از هر طبقه‌ای که اقرب به کعبه است با ویلچر طواف کند. واللّه العالم

شکیات طواف

س۲۲- اگر در بین طواف نداند چند شوط بجا آورده، وظیفه‌اش چیست؟

آیـهٔ اللّه تبریزی: شک در عـدد اشواط طواف واجب موجب بطلان آن است مگر هنگامی که به حجرالاسود برسد شک کند، هفت شوط بجا آورده یا بیشتر که بنابر هفت می‌گذارد و طوافش صحیح است. واللّه العالم.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: اگر در بین طواف نداند چند شوط طواف انجام داده طوافش باطل است وباید از سر بگیرد.

آیهٔ اللّه سبحانی: طواف او باطل است.

آیهٔ اللّه سیستانی: طوافش باطل است.

آیهٔ اللّه صافی: طواف باطل است، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه فاضل: طواف او باطل است، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه مکارم: احتیاط واجب آن است که آن را رها کند و از نو شروع کند.

آیهٔ اللّه نوری: طوافش باطل است و باید اعاده کند.

ص:۴۲

سعی

سعی در مسعای جدید

س۲۳ – نظر به اینکه عرض مسعی را از سمت شرق (بیرون مسجد الحرام) موازی‌سالن موجود توسعه داده‌اند و تقریبا عرض راهروی بین صفا و مروه دو برابر شده، لذا خواهشمند است بفرمایید سعی در قسمت افزوده شده جدید چه حکمی دارد؟
شایان ذکر است که طبق نظر کارشناسان و کسانی که از سال‌ها پیش سابقه تشرف دارند، کوه صفا و مروه تا این قسمت نیز امتداد داشته و هم اکنون نیز ریشه کوه وجود دارد.
آیهٔ اللّه بهجت «ره» : اگر ثابت شود که عرض مسعای جدید در بین کوه صفا و مروه در سابق بوده که مانعی ندارد ولی اگر در خارج از حدّبین الجبلین باشد، باید اقرب به مسعای‌واقعی رعایت شود.
آیهٔ اللّه خامنه‌ای: سعی در مقدار توسعه یافته مجزی است.
آیهٔ اللّه شاهرودی: اطمینان حاصل از قول اهل خبره کافی است.
آیهٔ اللّه مکارم: با توجه به شهادتی که به وجود ریشه های کوه داده شده، و با توجه به شهادت شهودی که می گویند قبلاً برجستگی کوه را در آن سمت دیده اند و بعداً در

ص:۴۳

ساختمان‌های جدید تخریب شده، مشکلی برای سعی حجّاج به وجود نمی آورد به خصوص اینکه حجّاج می‌توانند از سمت مسجد الحرام که برای سعی می آیند نیت کنند از کنار کوه صفا بگذرند و وارد مسعای جدید شوند و در موقع رسیدن به مروه نیز از کنار مروه بگذرند و به این ترتیب مصداق «ان یطّوف بهما» خواهد بود.

آیهٔ اللّه نوری همدانی: در فرض سؤال، که در گذشته این قسمت که الان به مسعی اضافه می‌شود، جزء صفا و مروه بوده، سعی در قسمت جدید، اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه سبحانی : سعی در قسمت توسعه یافته مسعی مجزی است. واللّه العالم

خروج از مکه

خروج از مکه پس از عمرهٔ تمتّع

س۲۴ – شخصی از میقات برای انجام عمرهٔ تمتع محرم شده و اعمال عمره را نیز به پایان برده و عمداً یا اضطراراً بین الإحرامین از مکه خارج شده است، بدون آن که به احرام حج محرم شود، و مثلاً به مدینه آمده و بار دیگر به قصد مکه از میقات می گذرد، وظیفهٔ او نسبت به احرام در میقات یا گذشتن از میقات بدون احرام چیست؟

آیهٔ اللّه تبریزی: اگر در همان ماه هلالی که برای عمرهٔ تمتع

ص:

احرام بسته برگردد نیاز به احرام جدید نیست و اگر در ماه دیگر برگردد، باید بار دیگر محرم به عمرهٔ تمتع بشود، واللّه العالم.

آیـهٔ اللّه سبحانی: هرگاه پیش از گذشتن یک ماه قمری از میقات بگذرد می‌تواند بدون احرام وارد مکه شود و در غیر این صورت باید محرم به عمره تمتع شود و میزان در عمره تمتع ماه قمری است.

آیـهٔ اللّه سیستانی: اگر در همـان ماه برگردد احرام لازم نیست و اگر در ماهِ بعـد باشـد، پس اگر دوباره نخواهـد خارج شود تا زمان حج باید به قصد عمرهٔ تمتع محرم شود و اگر دوباره قصد خروج و بازگشت در ماه بعد دارد باید به قصد عمرهٔ مفرده محرم شود.

آیـهٔ اللّه صافی: در فرض سؤال، اگر در همان ماهی که محرم به عمرهٔ تمتع شده و عمره را انجام داده، از مکه بیرون رفته و در همان ماه برگشته، احرام لازم نیست و اگر یک ماه فاصله شده باید مجدّداً جهت عمرهٔ تمتع محرم شود و عمره اوّلی مفرده می‌شود، و اگر یک ماه فاصله نشده ولی در غیر ماهی که محرم به عمرهٔ تمتع شده بوده دوباره به مکه وارد می‌شود، احتیاطاً جهت عمره تمتع دوباره محرم شود، واللّه العالم.

آیـهٔ اللّه فاضل: اگردر همان ماهی‌که عمره تمتع انجام‌داده‌است بخواهـد برگردد دیگر لازم نیست محرم شود و حج تمتع او به همان صورت صحیح است. اما اگر در ماه بعد بخواهد ۴۴

ص:۴۵

وارد مکه شود محرم به احرام عمره تمتع شود و عمرهٔ اولیه فاسد می‌شود و طواف نساء هم لازم نیست.

آیهٔ اللّه مکارم: هرگاه در همان ماه قمری که محرم شده برگردد، احرام دیگر لازم نیست.

آیـهٔ اللّه نوری: احتیاط واجب آن است که از میقات بـدون احرام بگذرد و برای دخول مکّه احرام ببندد و برای حج خود نیز از مکّه محرم شود و هر دو احرام را به قصد قربت مطلقه انجام دهد.

س۲۵ - شخصـی که کارمنـد سازمـان حـج و زیارت است وبه علّت مأموریت شـغلی ممکن است از مکّه خارج شود؛ مثلاً به مـدینه برگردد، ولی یقین به این امر ندارد، آیا وقت احرام در میقات می‌تواند به نیت عمرهٔ تمتّع محرم شود؟

آیـهٔ اللّه تبریزی: می‌تواند به نیت عمرهٔ تمتع محرم شود و اگر از مکه بخواهد خارج شود احکام خروج از مکه را باید رعایت نماید، واللّه العالم.

آیهٔاللّه خامنه‌ای: می‌تواند نیت عمرهٔ تمتع کند.

آیهٔ اللّه سبحانی: احرام عمره تمتع او صحیح است ولی در صورت خروج از مکه باید احکام آن را رعایت کند.

آیـهٔاللّه سیسـتانی: می‌تواند بلکه اگر قصد خروج ندارد باید نیّت تمتّع کند و خارج شدن برای کاری، هر چند غیر ضـروری، اشـکال ندارد در صورتی که مطمئن باشد حج را

ص:۴۶

درک می کند.

آیهٔ اللّه صافی: بلی می‌تواند، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه فاضل: بلی می‌تواند و خروج از مکه در صورتی کهاطمینان به‌رسیدن برای‌اعمال حج را دارد جایز است.

آیـهٔاللّه مکارم: می‌تواننـد برای عمرهٔ تمتع احرام ببندنـد حتی در صورتی که یقین داشـته باشـند که به خاطر الزام‌های شـغلی، بعـد از پایان عمرهٔ تمتع از مکه خارج می‌شوند، مشروط بر این که برای انجام حج به موقع برگردند.

خروج از مکّه پیش از اتمام اعمال حجّ

س۲۶ - خارج شدن از شهر مکّه و منا، مثلا رفتن به جده، مدینه یا طائف در موارد ذیل چه حکمی‌دارد؟

الف: پس از اعمال روز عید قربان پیش از اعمال مکّه.

ب: در روز یازدهم پس از رمی جمرات

ج: پس از بیتوته نیمه اوّل شب یازدهم یا دوازدهم.

د: پس از اعمال ایام تشریق، پیش از اعمال مکّه.

آیهٔ اللّه تبریزی «ره» : خارج شدن از مکّه و توابع آن، قبل از اعمال مکّه و تمام کردن آن جایز نیست.

آیهٔ اللّه سیستانی: اشـکال ندارد مگر اینکه در ماه ذی قعده مُحرم به احرام عمره تمتع شده بود که در این صورت برای برگشت باید محرم به عمره مفرده شده و داخل مکّه بشود.

آیهٔ اللّه صافی: در هیچ یک از موارد مذکور جایز نیست.

آیهٔ اللّه فاضل: احتیاط واجب است که تا اعمال حجّ تمام نشده

ص:۴۷

از مکّه و منا خارج نشود مگر این که اطمینان داشته باشد که برای اتمام اعمال بر می گردد.

آیهٔ اللّه مکارم: احتیاط آن است تا اعمال را تکمیل نکرده خارج نشود.

آیهٔ اللّه سبحانی : احتیاط آن است که تا اعمال را تکمیل نکرده است بیرون نرود. واللّه العالم

فاصلهٔ دو عمره

س۲۷ – کسی که در فاصلهٔ کمتر از یک ماه، که عمرهٔ مفرده انجام داده و به مدینه برگشته و بار دیگر قصد رفتن به مکه دارد، آیا می‌تواند بدون احرام از میقات بگذرد و عمرهٔ مفرده‌ای نیز بجا نیاورد؟

آیهٔ اللّه تبریزی: اگر در همان ماه هلالی که مُحرم برای عمرهٔ مفرده شده برگردد، احرام جدید لازم نیست، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه سبحانی: هرگاه سی روز تمام از احرام اول نگذشته باشد باید محرم شود و میزان در اینجا سی روز تمام است.

آیهٔ اللّه سیستانی: معیار فاصلهٔ یک ماه نیست بلکه اگر در همان ماه به مکّه برگردد احرام لازم نیست و اگر در ماهِ بَعد باشد هر چند فاصله یک روز باشد باید با احرام وارد شود.

آیهٔ اللّه صافی: اگر در همان ماهی که محرم شده و اعمال عمرهٔ مفرده انجام داده از میقات عبور می‌کند احرام برای عمره مفرده دیگر لازم نیست. واللّه العالم.

آیهٔ اللّه فاضل: اگر در همان ماه قمری که عمرهٔ مفرده انجام

ص:۴۸

داده قصد مکه کند، جایز است که بدون احرام وارد مکه شود. اما اگر در ماه بعد قصد مکه کند باید محرم به احرام عمره شود و بدون احرام جایز نیست.

آیهٔ اللّه مکارم: اگر در همان ماه قمری برگردد، احرام و عمره بر او نیست.

آیهٔ اللّه نوری: بلی می‌تواند.

س۲۸ – یکی از کارمندان سازمان حج و زیارت که بیش از یک ماه در مکّه بوده و همین مدت از عمرهٔ قبلی او گذشته، برای کاری به جدّه می‌رود و در برگشت، بدون احرام وارد مکه شده است، وظیفه‌اش چیست؟

آیهٔ اللّه تبریزی: گرچه دخول در مکه بدون احرام پس از گذشت ماه قمری که در آن ماه احرام عمره قبلی را بسته بوده، جایز نیست ولی بعد از دخول مکه تکلیفی ندارد، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: فعلاً وظیفه خاصی ندارد ولی اگر از روی عمد بدون احرام وارد مکه شده، عمل حرام انجام داده و باید توبه کند.

آیهٔ اللّه سبحانی: اگر برگشت او به مکه در ماه قمری دیگر (غیر از ماه خروج) است و بخواهد حج تمتع انجام دهد باید در ادنی الحل احرام ببندد و عمره را اعاده کند.

آیهٔ اللّه سیستانی: گناه کرده و چیزی بر او نیست ضمناً معیار در لزوم عمره برای ورود به مکّه گذشتن یک ماه نیست بلکه

ص:۴۹

ورود در ماه قمری دیگر است هر چند روز بعد باشد.

آیهٔ اللّه صافی: بر چنین شخصی واجب بوده که بدون احرام وارد حرم نشود حال که با علم و عمد و یا از روی جهل وارد حرم شده، اگر موقع حج است و می‌خواهد حج تمتع انجام دهد باید به یکی از مواقیت معروفه؛ مانند جحفه یا مسجد شجره برود و برای عمره تمتع محرم شود و اگر موقع حج نیست یا نمی‌خواهد حج تمتع به جا آورد فعلاً تکلیفی ندارد، واللّه العالم

آیهٔ اللّه فاضل: باید با احرام وارد مکه می‌شده است ولی در فرض مزبورفعلاً وظیفه‌ای ندارد.

آیهٔ اللّه مکارم: کار خلاف شرعی انجام داده است و باید برگردد و محرم شود.

آیهٔ اللّه نوری: لازم است به یکی از مواقیت برگردد و در آنجا احرام برای عمرهٔ مفرده ببندد و عمرهٔ مفرده انجام بدهد و اگر می‌خواهد حج تمتّع انجام بدهد احرام عمرهٔ تمتّع ببندد.

رمی

رمی در طبقات فوقانی

س۲۹ – رمی جمرات از طبقه فوقانی جایز و مکفی است یا نه؟ و چنانچه بر اثر ازدحام جمعیت رمی در طبقه پایین مشکل باشد تکلیف چیست؟

امام خمینی «ره» : جایز است و لازم نیست در طبقه اوّل

ص:۵۰

رمی نمایند.

آیهٔ اللّه اراکی «ره» : مانع ندارد و کافی است.

آیهٔ اللّه بهجت «ره» ؛ آیهٔ اللّه زنجانی: رمی در هر دو طبقه جایز و کافی است.

آیهٔ اللّه تبریزی «ره» : کفایت رمی مزبور محل اشکال است مگر این که از بالا، پایین جمره را بتواند رمی کند و اگر در تمام روز رمی در طبقه پایین مشکل باشد و خوف بر نفس داشته باشد، شب قبل رمی نماید و چنانچه در روز هم متمکن شد رمی را اعاده می کند. واللّه العالم.

آیهٔ اللّه سیستانی: اکتفا به رمی مقدار اضافه شده، محلّ اشکال است اگر رمی مقدار سابق ممکن نباشد هم خود به مقدار جدید اضافه شده رمی کند و هم نایب بگیرد که به مقدار زاید رمی نماید.

آیهٔ اللّه صافی: رمی آنچه بر ستون جمره اضافه شده خلاف احتیاط است ولی اگر از طبقه فوقانی به قسمت قبلی جمره رمی کنند اشکال ندارد. واللّه العالم.

آیهٔاللّه فاضل رحمه الله؛ آیهٔاللّه نوری: رمی از طبقه فوقانی جایز است.

آیهٔ اللّه گلپایگانی «ره» : رمی در طبقه بالا خلاف احتیاط است و اگر در همان روز متمکن از رمی در طبقه پایین نشدند روز بعد در طبقه پایین رمی کنند. واللّه العالم.

آیهٔ اللّه مکارم: در هنگام ازدحام جمعیت جایز است.

آیهٔ اللّه سبحانی : اگر رمی بر همان نقطه انجام بگیرد مجزی است. واللّه العالم

ص:۵۱

رمی جمرات توسعه یافته

س ۳۰ – ستون قبلی جمرات در طبقات پایین و بالا، در هر جمره به صورت دیواری به طول ۲۵ متر و عرض یک متر ساخته شده است که تشخیص محل قبلیِ ستون‌ها و ایستادن در آن محلّ پر ازدحام برای تشخیص آن، کاری دشوار و یا غیر ممکن است، از این رو خواهشمند است بفرمایید تکلیف حجّاج در رمی جمرات چیست؟ و آیا رمی تمام دیوار ۲۵ متری کفایت می‌کند یا خیر؟

آیهٔ اللّه بهجت: اگر ضرورت است، به این‌که ممکن نیست سؤال شود که از کجا زیاد شده، اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه تبریزی: با فحص و سؤال از کسانی که از کیفیت بنا اطلاع دارند، به دیوار جدیدی که مقابل ستون‌های قبلی قرار گرفته رمی کنند و اگر تشخیص محل قبلی ستون‌ها و ایستادن در محل پر ازدحام برای تشخیص آن، کاری دشوار و یا غیر ممکن بود (با توجّه به نقشه ارسالی به این جانب از جمرات جدید) چنانچه وسط دیوار جدید را در نظر بگیرند و رمی کنند، مجزی است ان شاء اللّه تعالی.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: اگر می‌تواند بدون عذر و مشقت، به آنچه در محل ستون قبلی قرار دارد رمی کند، واجب است به آن رمی نماید و اگر جستجو از محل آن و رمی به آن مستلزم عسر و مشقّت است، به هر نقطه آن دیوار رمی کند مجزی است ان شاء اللّه.

ص:۵۲

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر دیوار موجود، مشتمل بر ستون سابق باشد و تشخیص آن هرچند به کمک اهل خبره قبل از رمی میسور باشد، بایـد همان قسـمت را رمی کننـد و اگر میسور نباشـد، به احتیاط واجب، بایـد رمی را تکرار کننـد، مگر مقداری که مسـتلزم حرج یا ضرر است.

آیهٔ اللّه شبیری زنجانی: بلی کفایت می کند.

آیـهٔ اللّه صـافی گلپایگـانی: در مورد سؤال بـا وضع فعلی بعیـد نیست رمی در هر قسـمت جمره کافی باشـد. البته مهما امکن، احوط واولی مراعات رمی به‌حدود ستون‌قبلی است؛ واللّه العالم.

آیهٔ اللّه فاضل: بلی، در فرض مزبور رمی جمرات فعلی کفایت می کند.

آیـهٔ اللّه مکارم شـیرازی: پرتاب سـنگ به آن حوضـچه، هرچند بزرگتر از سابق شده است کافی است، و اگر به دیوار مزبور بزنند تا در حوضچه بیفتد، آن هم کفایت می کند، و هیچ ضرورتی ندارد که جای ستون سابق را پیدا کنند و به آن بزنند.

قربانی

ذبح با استیل

س۳۱ - ذبح حیوان با چاقوی استیل چه حکمی دارد؟ با توجه به این که اهل خبره استیل را هم‌نوعی آهن می‌دانند.

ص:۵۳

امام خمینی «ره» : اگر معلوم نباشد آهن است یا نه، صحیح نیست.

آیـة اللّه اراکی «ره» : ذبح با غیر حدید کافی نیست و اگر [استیل را] عرفاً حدید و آهن بدانند و نوعی از آن بدانند حقیقتاً نه مجازاً، کافی است.

آیهٔ اللّه بهجت «ره» : اگر آهن است صحیح است.

آیـة اللّه تبریزی «ره» : ذبح حیوان با استیل در صورتی که آهن پیدا نشود مانع ندارد و ملاک در آهن بودن صدق عرفی است و نظر مبتنی بر نظریات دقیق علمی اعتباری ندارد. واللّه العالم.

آیهٔ اللّه زنجانی: اشکال ندارد هر چند آهن نباشد.

آیهٔ اللّه سیستانی: جایز بودن ذبح با چاقوی استیل خالی از اشکال نیست و جای احتیاط است.

آیهٔ اللّه صافی: ذبح باید با حدید باشد و تشخیص آن با عرف است و اگر کسی یقین کند استیل حدید است برای او اشکال ندارد. واللّه العالم.

آیـة اللّه فاضـل: بـا تحقیقی که انجام گرفته استیل نوعی از آهن است که از امتیاز خاصـی‌برخوردار است در این صورت ذبـح با آن مانعی ندارد و بر فرض احتمال امتزاج غیر آهن به آن، چون مقدار امتزاج شده نسبت بسیار کمی دارد و مضرّ به صدق آهن نیست، در این صورت نیز مانعی ندارد.

آیهٔ اللّه گلپایگانی «ره» : ذبح باید با آلت حدیدی باشد و حدید بودن آلت مذکوره در سؤال محرز نیست. واللّه العالم.

آیهٔ اللّه مکارم: با هر فلز برنده‌ای صحیح است.

ص:۵۴

حلق

حلق با ماشین اصلاح

س۳۲ – آیا در اعمال حج، حلق با ماشین‌هایی که مانند تیغ، موی سر را می‌تراشد کفایت می‌کند یا حتماً باید با تیغ باشد؟

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط باید با تیغ باشد.

آیهٔ اللّه سیستانی: کفایت می‌کند.

آیهٔ اللّه مکارم شیرازی: کفایت می‌کند.

آیهٔ اللّه جوادی آملی: حلق با ماشین‌هایی که مانند تیغ مو را می‌تراشد کفایت می‌کند.

آیهٔ اللّه سبحانی: ماشین‌های ته‌زن که مانند تیغ موی سر را می‌تراشند کافی است، زیرا عرفاً حلق صدق می‌کند.

آیهٔ اللّه شبیری زنجانی: کفایت می‌کند.

آیهٔ اللّه سیدمحمد شاهرودی: منظور از حلق این است که موی سر از ته تراشیده شود خواه با تیغ باشد یا با ماشین سرتراشی؛ به شرط آنکه مو را از ته بتراشد.

آیهٔ اللّه اردبیلی: تراشیدن سر با ماشین به نحو مذکور برای حلق در حج کفایت می‌کند.

آیهٔ اللّه صافی گلپایگانی: باید حلق صدق کند یعنی تراشیدن و مجرد ازاله‌ی مو مانند تراشیدن، حلق محسوب نمی‌شود.

آیهٔ اللّه نوری همدانی: در فرض سؤال حلق با ماشین مزبور اشکال ندارد.

ص:۵۵

وقوف

بیتوته در منا

س۳۳ – نظر به محدودیت سرزمین منا، اگر وقوف به منا بر اثر ازدحام جمعیت موجب عسر و حرج گردد، حکم شرعی مسائل ذیل را بیان فرمایید:

۱. در صورت توسعه سرزمین منا از طرف دولت عربستان آیا بیتوته در محدوده توسعه یافته جایز است؟

۲. اگر بیتوته در محدوده فعلی منا (چادرهای اختصاص یافته) مقدور نباشد و باعث عسر و حرج گردد آیا می‌توان در مشعر وقوف نمود؟

۳. ملاک عسر و حرج و چگونگی وقوف در محدوده فعلی با توجه به محدودیت چادرهای اختصاص یافته و عدم امکان وقوف در معابر چیست؟

آیهٔ اللّه مکارم شیرازی: ج۱. در فرض ضرورت جایز است، ج۲. در صورتی که باعث عسر و حرج شود مانعی ندارد.

ج۳. منظور از عسر و حرج این است که وقوف در محدوده فعلی مشقّت بسیار زیادی داشته باشد.

آیهٔ اللّه سبحانی: کسانی که می‌توانند به جای بیتوته در منا به مکه بروند و در مسجدالحرام به عبادت بپردازند، باید این

ص:۵۶

فرض را مقدم بدارند. ولی اگر این فرض ممکن نشد و یا به حرج مقرون گشت، از آنجا که اسلام آیین جهانی است، هرگاه در منا جا برای مسلمانان تنگ شد، باید به اقرب فالاقرب اکتفا کرد. البته مادامی که سعودی‌ها چادرهای ایرانی را اجبار به خروج از منا نکرده‌اند، بیتوته در نقطه‌ای دیگر جائز نیست.

آیهٔ اللّٰه نوری همدانی: ۱. اشکال ندارد. ۲. خیر، باید از همان سرزمین توسعه یافته منا استفاده شود. ۳. از جواب قبل معلوم شد.

آیهٔ اللّه سیستانی: ۱. خیر مگر در وادی محسر. ۲. اگر بیتوته در منا و در فرض ضیق منا بر اثر ازدحام جمعیّت در وادی محسر، ممکن نباشد، نسبت به آن وظیفه‌ای ندارد و بدل آن که اشتغال به عبادت در مکه است، اتیان کند. ۳. عسر و حرج، همان مشقت زیاد است.

آیهٔ اللّه صافی گلپایگانی: ۱. مجزی نیست. ۲. وقوف در مشعر هم مجزی نیست. ۳. در فرض مذکور که مبیت به منا ممکن نیست، برای هرشب یک گوسفند کفاره بدهد و یا در این شبها در مکه به عبادت مشغول باشد و به کار دیگر غیر از عبادت مشغول نباشد مگر کارهای ضروری، مانند خوردن و آشامیدن و تجدید وضو که در این صورت مبیت به منا واجب نیست. واللّه العالم.

آیهٔ اللّه شاهرودی: ۱. حدود منا از طرف شارع مشخص شده و باید وقوف در محدوده منا باشد. ۲. در روایت آمده که

ص:۵۷

هنگام ضیق و ازدحام به وادی محسّر بروند، و ظاهراً مجزی‌است. ۳. ضیق منا ملاک مبیت در وادی محسّر می‌باشد، مبیت نصف شب در منا کفایت می‌کند، و همچنین گذراندن به عبادت در مکّه، و اگر هیچ کدام را انجام ندهد، یک گوسفند کفّاره بدهد.

آیهٔ اللّه موسوی اردبیلی: منا سرزمین معینی است که قابل توسعه نمی‌باشد و در صورت عدم امکان بیتوته در منا، حاجی باید به جای آن در مکّه با شرایطی که در کتاب مناسک آمده است به عبادت بپردازد و اگر آن نیز ممکن نشد وظیفه‌ای ندارد ولی احتیاط واجب آن است که برای هر شب یک گوسفند کفاره بدهد.

نماز

نماز جماعت با اهل سنت

س۳۴ – در ایام عمره که جمعیت کمتری در نماز جماعت مسجد الحرام شرکت می‌کنند امام مقابل در کعبه، یا کنار مقام ابراهیم به نماز می‌ایستد، و چند صف دور کعبه تشکیل می‌شود و بقیهٔ جمعیت داخل شبستان‌ها هستند و اتصال صفوف برقرار نیست آیا لازم است شیعیان به هنگام شرکت در نماز جماعت مسجد الحرام، اتصال صفوف را مراعات کنند و یا به همان مقداری که آنان نماز را صحیح می‌دانند کافی است،

ص:۵۸

به علاوه بانوان را داخل حیاط راه نمی‌دهند و اتصال آنها به ناچار قطع است، تکلیف چیست؟

آیهٔ اللّه بهجت: مراعات آنچه را خود آنها شرط می‌دانند بنمایند و در هر صورت نماز را اعاده کنند، علی الأحوط.

آیهٔ اللّه تبریزی: اقتدا به آنها صوری است و باید قرائت را خودش و لو آهسته بخواند و اگر آهسته هم نمی‌تواند بخواند حدیث نفس کند، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: همانطور که آنهانماز راصحیح می‌دانند کفایت می‌کند، واللّه‌العالم.

آیهٔ اللّه سبحانی: بنابر احتیاط واجب باید نماز خوانده شده با آنها را اعاده کند.

آیهٔ اللّه سیستانی: به همان نحو که آنها نماز می‌خوانند می‌تواند نماز بخواند ولی باید قرائتش را آهسته و اگر نمی‌شود مخفیانه بخواند.

آیهٔ اللّه صافی: با فرض عدم وجود تقیّه، نماز خود را اعاده نماید، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه فاضل: چنانچه هنگام اقامه جماعت اتفاقاً داخل شبستان‌ها بودند همان‌جا اقتدا کنند و نماز صحیح است هر چند اتصال برقرار نباشد. ولی اختیاراً و با وسعت وقت آنجا نروند و نمانند. و در این مسأله فرقی بین آقایان و بانوان نیست.

آیهٔ اللّه مکارم: در مورد بانوان که راه دیگری ندارند، اشکالی ندارد. ولی در مورد آقایان چنانچه بتوانند اتصال صفوف را

ص:۵۹

رعایت کنند، لازم است.

آیهٔ اللّه نوری: لازم است اتّصال صفوف را مراعات کنند.

س۳۵ - گاهی اوقات امام جماعت اهل سنت در نماز، سورهٔ سجده را می‌خواند و نمازگزاران در اثنای قرائت به سجده می‌روند و برمی‌خیزند؛

اولاً: تکلیف چیست؟

ثانیاً: اگر کسی عمداً یاجهلاً یاسهواً سجده‌راترک کرد، نمازش چه حکمی دارد؟

و اگر ندانسته به رکوع رفت و سپس به سجده و دوباره به قیام برگشت تکلیف چیست؟

آیهٔ اللّه بهجت: در سجده هم با آنها تبعیّت کند، و در جمیع فروض مسأله نماز را اعاده کند، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه تبریزی: در فرض استماع باید ایماءاً سجده کرده و احوط اعاده آن بعد از نماز است و با ترک آن نمازش باطل نمی‌شود و اگر رکوع یا سجده زائده انجام داد باید نمازی را که خوانده اعاده کند واللّه العالم.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: باید تبعیّت کنند، بلی اگر خلاف تقیّه نباشد می‌توانند تبعیّت نکنند و در هر صورت تبعیّت مضر نیست؛ و اگر خلاف تقیّه عمل نکرده باشد نمازش صحیح است، گرچه رعایت احتیاط خوب است.

آیهٔ اللّه سبحانی: در سجده با آنها تبعیت کند ولی در هر حال باید نماز را اعاده کند.

ص: ۶۰

آیـهٔ اللّه سیسـتانی: تکلیف این است که اگر امام سـجده کرد او هم سـجده کنـد و پس از اتمام احتیاطاً اعاده کند و اگر امام سـجده نکرد اوبا ایماء و اشاره سـجده کند و نماز صـحیح است و اگر عمداً یا جهلاً یا سـهواً سـجده نکرد نماز صحیح است و اگر به رکوع رفت نماز بنابر احتیاط واجب باطل است.

آیـهٔ اللّه صافی: اگر شـرکت در نماز عنوان تقیه داشـته باشد و ترک موافقت با آنان در سـجده مخالف تقیه باشد، در سـجده با آنها موافقت کنـد و نماز او صـحیح است و در غیر مورد تقیه چون مجرّد سـماع آیه موجب وجوب نیست ترک سـجده بی‌اشـکال وبلکه لازم است و انجام آن به‌سـماع، هر چنـد به ایماء باشـد موجب بطلان نماز است، بلی در صورت اسـتماع وعـدم تقیه، بایـد به‌ایماء و اشاره سجده نماید. و زیاد شدن رکوع در صورت مذکوره موجب بطلان نماز است، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه فاضل: تکلیف تبعیت است و نماز صحیح است.

اگر به هر جهت سـجده را ترک کرده است به نمـاز لطمه‌ای نمی‌خورد، ولی اگر خلاـف تقیه نیست، بعـد از نمـاز احتیاطاً سـجده را انجام دهد.

اگر ندانسته به رکوع و سپس به سجده رفته و بعداً به قیام برگشته است نمازش باطل است و باید اعاده کند.

آیهٔ اللّه مکارم: تکلیف آن است که از آنها متابعت شود و احتیاطاً نماز را بعداً اعاده نماید ودر دو صورت دیگر هم

ص:۶۱

احتیاط اعاده است.

آیهٔ اللّه نوری: ۱ - نمازش را بخواند و دوباره اعاده کند ۲ - در صورت ترک سجده عمداً یا جهلاً یا سهواً اگر مشغول خواندن ذکر شود تا سکوت طولانی که محو کنندهٔ صورت نماز است به عمل نیامده باشد نمازش صحیح است ۳ - در صورت اخیر نمازش باطل است.

نماز جماعت با اهل سنت

س۳۶ - گاهی در نماز جماعت اهل سنت پس از رکوع، قنوت می‌خوانند، تکلیف شیعیانی که در نماز جماعت آنها شرکت کرده‌اند چیست؟

آیهٔ اللّه بهجت «ره» : تبعیت کنند و احتیاط را مراعات نمایند به قصد آنچه جایز است مطلقا.

آیهٔ اللّه تبریزی «ره» ؛ آیهٔ اللّه صافی: متابعت کنند. واللّه العالم.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: قنوت بعد از رکوع به قصد دعا مانع ندارد و در هر صورت در فرض مرقوم مضر به صحت نماز نیست.

آیهٔ اللّه زنجانی؛ آیهٔ اللّه سیستانی: اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه مکارم: باید مانند آنها نماز بخوانند.

آیهٔ اللّه سبحانی : متابعت اشکالی ندارد. واللّه العالم

نماز در اماکن تخییر

س۳۷ - آیا مسافر، در اماکن تخییر مجاز است نوافل ظهر و عصر را بخواند؟

ص:۶۲

آیهٔ اللّه بهجت «ره» : اظهر عدم سقوط رواتب نهاریه در اماکن تخییر است اگرچه فریضه را در خارج ایقاع نماید یا قاصد آن باشد یا قصراً در داخل ایقاع نماید، بلکه ثابت است نافله با عدم تعین تقصیر.

آیهٔ اللّه تبریزی «ره» : نوافل ظهر و عصر او ساقط است. واللّه العالم.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: نافله نماز ظهر و عصر در سفر ساقط است، حتی در اماکن تخییر.

آیهٔ اللّه شبیری: مجاز نیست.

آیهٔ اللّه صافی: استحباب نوافل ظهر و عصر در اماکن تخییر ثابت نیست؛ واللّه العالم.

آیهٔ اللّه فاضل: خیر، مشروعیت نوافل ظهر و عصر در فرض مزبور ثابت نیست.

آیهٔ اللّه مکارم: مجاز نیست.

آیهٔ اللّه نوری: در صورتی که تمام را اختیار کرد رجاءً می‌تواند بخواند.

آیهٔ اللّه سبحانی : نوافل ظهر و عصر در سفر مطلقاً ساقط است و در اماکن تخییر دلیلی بر آن نیست. واللّه العالم

نماز در مشاعر

س۳۸ – فاصله بین مکّه و عرفات که قبلًا چهار فرسخ بوده امروزه با توجه به توسعه مکّه و اتصال شهر به منا کمتر از مسافت شرعی است در این صورت،

ص:۶۳

کسی که قصد اقامه ده روز در مکّه را نموده و سپس به عرفات و مشعر و منا می‌رود و چهار شب یا بیشتر در آنجا بیتوته می‌رکند نماز او در عرفات و مشعر و منا و پس از مراجعت به مکّه قصر است یا تمام؟

آیـۀ اللّه اراکی «ره» : اگر پس از مراجعت به مکّه قصد اقامه ده روز در مکّه دارد یا مردد است در این صورت نماز او در منا و عرفات و پس از مراجعت تمام است و اگر قصد اقامه ده روز بعداً ندارد و از مکّه انشاءِ سفر به ایران می‌کند اقوی اتمام است در مواضع مذکوره، چون محل اقامه به منزله وطن اوست. و احوط جمع است بین قصر و اتمام و امّا کسی که قصد اقامه از اوّل در مکّه نداشته نماز او در تمام مواضع مذکوره قصر است.

آیۀ اللّه بهجت «ره» : باید نماز را شکسته بخوانند با رعایت تخییر در محلش از مکه.

آیـۀ اللّه تبریزی «ره» : چنانچه از آخر خانه‌های مسکونی فعلی مکّه تا عرفات کمتر از چهار فرسخ و رفتن به عرفات و مشعر و منا و رجوع به مکّه کمتر از هشت فرسخ باشد در صورتیکه شخص بعد از اقامت ده روز - ربا قصد اقامت از قبل - به عرفات برود و یا این که قصد اقامت ده روز در مکّه نموده و بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از اقامت در مکّه منصرف شده و تصمیم گرفت به عرفات برود نمازهای او در عرفات و مشعر و منا، و در رفتن و برگشتن تمام است و در غیر این‌دو صورت مسافر است و باید نمازهای خود را در

ص:۶۴

غیر مکّه قدیم، قصر بخواند و در خود مکّه قدیم مخیر است بین قصر و تمام. واللّه العالم.

آیـهٔ اللّه خـامنه‌ای: اگر پس از اسـتقرار حکم اقـامت عشـره در مکّه مکرمه به عرفـات و مشـعر و منـا می‌رود، با فرض این که رفت و برگشت از عرفات و مشعر و منا هشت فرسخ شرعی‌نیست نمازش در عرفات و منا تمام است.

آیهٔ اللّه زنجانی: کسـی که قصد اقامه ده روز در مکّه نموده یعنی تصمیم دارد ده روز در خود مکّه بماند نماز او در مکّه و عرفات و مشـعر و منـا تمـام است، ولی مسـافری که تصـمیم دارد در اثنـای ده روز برای انجـام اعمـال خود به عرفـات و مشـعر و منا برود تمام نمازهای او قصر است.

آیهٔ اللّه سیسـتانی: اگر مسافت مکّه تا عرفات و از آنجا تا مشعر و از آنجا تا منا و تا مکّه (۴۴) کیلومتر باشد نمازش را در این اماکن قصر می‌خواند و الاّ لازم است نمازش را تمام بخواند، بله اگر کمتر از (۴۴) کیلومتر باشد اگر برگشتنِ او به مکّه عبوری باشد نه این که برگشتن به محلّ اقامت است، پس حکم او در مشعر و منا قصر است ولی در مکّه مخیر است بین قصر و اتمام.

آیهٔ اللّه صافی: در فرض سؤال نماز شـخص مذکور در عرفات و مشعر و منا تمام است همچنین پس از مراجعت به مکه، در مکّه هم تمام است. واللّه العالم.

آیهٔ اللّه فاضل: اگر اقامه ده روزه با قطع نظر از چند شب مذکور باشد در مواضع ذکر شده نماز تمام است و اگر مجموعاً باشد

ص:۶۵

نماز در آن مواضع شکسته، لیکن در مکّه و اگر چه بعد از مراجعت باشد مخیر بین قصر و اتمام است.

آیهٔ اللّه مکارم: نماز او تمام است.

آیـهٔ اللّه نوری: در صورتی که در مکّه قصـد اقامت ده روز کرده باشد نمازش در عرفات و مشـعر و منا تمام است و الّا قصـر است و در مراجعت در مکّه بجهت این که در این شـهر مخیر است بین قصـر و اتمـام، اگر قصـد اقـامت نکرد مخیر است و اگر قصـد اقامت کرد که باید تمام بخواند.

آیـهٔ اللّه سـبحانی : هرگاه قصد کند در مکّه ده روز بماند و اقامت او محقق شود به این معنی که تصـمیم ندارد در این ده روز بیرون برود آنگـاه پس از ده روز به منی و عرفـات برود در تمام مراحل نماز او تمام است و اگر قصـد اقامه او محقق نشـد، در تمام مراحل نماز او شکسته است. واللّه العالم

نماز در هواپیما

س۳۹ - در برخی موارد، زائران بیت اللّه الحرام یـا سـایر مسـافران، در وقت نمـاز داخـل هواپیمـا هسـتند، بـا توجه به این که نماز در هواپیمـا معمولاًـ مـانع اسـتقرار و طمـأنینه نیست، در صورتی که سایر شـرایط، مثل قیام و قبله و رکوع و سـجود مراعات شود، آیا در صورت علم یا احتمال این که پیش از اتمام وقت نماز به مقصـد می‌رسـند و می توانند نماز را پس از پیاده شدن از هواپیما بخوانند، نماز در هواپیما

ص:۶۶

کفایت می کند یا باید تأخیر بیندازند و در صورتی که نماز را در آن حال خواندند و پیش از اتمام وقت نماز پیاده شدند، اعاده نماز لازم است یا نه؟

آیهٔ اللّه تبریزی «ره» : چنانچه احتمال بدهند که تا آخر وقت هواپیما به زمین ننشیند می‌تواند در هواپیما نماز بخوانند و اگر پیش از اتمام وقت هواپیما به زمین نشست نمازشان را اعاده کنند.

آیهٔ اللّه سیستانی: در فرض مذکور نماز در هواپیما کافی است.

آیهٔ اللّه صافی: در صورت علم باید تأخیر نماید و در صورت احتمال، احوط خواندن و چنانچه قبل از گذشتن وقت به مقصد رسید اعاده است.

آیهٔ اللّه فاضل: به طور کلی مکان نماز گزار باید بی حرکت باشد و باید بتوانند تا پایان نماز شرایط نماز را رعایت کنند لذا در فرض سؤال، در سعه وقت تأخیر بیندازند و اگر به‌واسطه تنگی وقت ناچار باشند نماز بخوانند باید به قدری که ممکن است رعایت شرایط را بنمایند و در این صورت اعاده لازم نیست.

آیهٔ اللّه مکارم: چنین نمازی صحیح است و اعاده ندارد.

آیهٔ اللّه سبحانی : هرگاه بدانند که قبل از خروج وقت، هواپیما به زمین می‌نشیند نماز را به تأخیر باندازد و اگر می‌داند که پس از خروج وقت، هواپیما به زمین می‌نشیند نماز در هواپیما مجزی است و اعاده لازم نیست و در صورت

ص:۶۷

ندانستن و یا احتمال در هواپیما نماز را بخوانند و اگر پس از پیاده شدن وقت باقی باشد احتیاطاً اعاده کند. واللّه العالم

متفرقه

فیش حج متوفی

س ۴۰ - اگر فیش حج متوفی به مبلغ زیادی در بازار خریداری می‌شود و به کمتر از آن مبلغ، می‌توان برای حج میت نایب گرفت، آیا می‌توان از آن فیش برای رفتن به حج استفاده کرد، در حالی که مازاد قیمت آن متعلق به ورثه است و در صورتی که میّت وارث صغیر داشته باشد، چطور؟

آیهٔ اللّه تبریزی: اگر به مبلغ کمتر می‌توان نایب گرفت، بدون اذن همهٔ ورثه نمی‌توان از فیش برای حج استفاده کرد مگر این که میت وصیت کرده باشد که در این صورت مابه‌التفاوت از ثلث حساب می‌شود، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه سبحانی: ظاهر اینکه فیش را در حال صحت خریده است نوعی وصیت به حج بلدی است بنابراین مابه‌التفاوت حج بلدی و میقاتی از ثلث حساب کنند و پرداخت نمایند و وجه فیش را به عنوان ترکه تقسیم کنند البته اگر وارث همگی بالغ باشند با رضایت آنان استفاده از فیش برای حج اشکالی ندارد.

آیهٔ اللّه سیستانی: فیش به ورثه منتقل می‌شود و اگر حج بر

ص:۶۸

میت مستقر باشد یا وصیت کرده باشد باید برای او نایب بگیرند و اگر بخواهند با آن فیش بروند باید با رضایت ورثه باشد و اگر صغیر در میانِ آنها هست باید سهم او را بپردازند.

آیهٔ اللّه صافی: نایب گرفتن برای متوفّی به کمتر از مبلغ ارزش و فروش فیش حجّ متوفّی مانعی ندارد و زاید بر مبلغ که صرف استیجار حج شده، متعلّق به ورثه است و از خود فیش هم جهت استیجار با توافق ورثه می‌شود استفاده کرد.

بلی چنانچه متوفی ورثهٔ صغیر داشته باشد، باید حق او ملاحظه شود. واللّه العالم.

آیهٔ اللّه فاضل: چنانچه میت وصیتی نسبت به حج بلدی نداشته باشد. می‌توان از میقات برای میت در صورت استقرار حج برای او استنابه کرد و فیش را در اختیار دیگری قرار داده و مابه التفاوت، بین همهٔ ورثه، طبق قانون شرع تقسیم گردد. و در این فرض فرقی بین داشتن صغیر یا نداشتن آن نیست.

و در صورت نبودن وصیت و عدم استقرار حج با وجود صغیر، باید سهم صغیر از مجموع فیش به هر صورت رعایت شود و تفصیل این مسأله در استفتائات آمده است.

آیهٔ اللّه مکارم: در صورتی که میت وصیتی نکرده باشد، این کار جایز است، ولی به اجازهٔ همه ورثه، و سهم صغیر را باید از آن بپردازند.

آیهٔ اللّه نوری: اگر حج بر متوفّی واجب بوده است و ورثه کبار نباشند، لازم است برای حجّ متوفّی نایب بگیرند و از آن فیش هم به نحوی که ذکر شده است، استفاده اشکال ندارد و

ص:۶۹

اگر در بین ورثه صغیر وجود دارد نیز با اجازه وصی و یا حاکم شرع اشکال ندارد.

س۴۱ - کسانی که با فیش حج میّت و به نیابت از وی به حج می‌روند، اگر خود نیز تمام شرایط استطاعت را دارا باشند، بجز باز بودن راه، که آن هم با فیش حج میّت حاصل شده است، در صورتی که بتوانند مثلاً در مدینه یا جده (قبل از میقات) برای متوفّی نایب بگیرند و خودشان حج واجب خود را انجام دهند، تکلیف چیست؟

آیهٔ اللّه تبریزی: اگر بتواند ورثه را راضی کند که با آن فیش برای خود حج بجاآورد و برای میت نایب بگیرد، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه سبحانی: هرگاه به هنگام اجیر شدن یا قبول وصیت مستطیع نبوده و موصی یا اجیرکننده شرط کند که خود او شخصاً حج را به‌جا آورد و او بپذیرد و ظاهر وصیت یا اجاره فوری بودن باشد در این دو صورت نمی‌تواند به دیگری واگذار کند. در غیر این دو صورت باید حج خودش را انجام دهد و در هر حال برای نائب گرفتن باید اجازه داشته باشد.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر اجیر باشد و نیابت مشروط به آن سال باشد. باید حج نیابی را مقدّم بدارد و اگر مشروط نباشد یا اجیر نباشد، باید حج خود را مقدّم بدارد و می‌تواند برای میّت نایب بگیرد مگر این که مطمئن باشد در آینده می‌تواند

ص:۷۰

حج خود را انجام دهد که در این صورت می‌تواند حجّ نیابی را انجام دهد.

آیهٔ اللّه صافی: در فرض مرقوم، استیجار شخص مذکور صحیح نیست، بلی اگر برای انجام حج، اعمّ از مباشرت و تسبیب اجیر شده باشد و حج مورد اجاره میقاتی باشد باید خودش حجهٔالاسلام خود را بجا آورد و برای میّت حج میقاتی استیجار کند. واللّه العالم.

آیهٔ اللّه فاضل: در فرض سؤال، وظیفه انجام حج نیابی است.

گرچه اگر برای خود حج انجام دهند صحیح است. هر چند معصیت کرده‌اند. و نایب گرفتن برای متوفّی در صورتی صحیح و مجزی است که مجاز در استنابه باشند. و الّا مجزی نیست.

آیهٔ اللّه مکارم: مانند مسألهٔ سابق است. ۱

آیهٔ اللّه نوری: این قبیل افراد نمی‌توانند نایب باشند و حجّ نیابی انجام بدهند، این شخص هم لازم است حجّ خود را انجام بدهد و گرفتن نایب باید با نظر ورثه و یا وصی و یا حاکم شرع، که هر یک در مورد خود اختیار دارند، باشد.

س۴۲ - در فرض سؤال قبل، اگر میّت یکی از ورثه را (مثلاً پسر بزرگ خود را) برای انجام حج مشخص کرده باشد، یا تمام ورثه اتفاق کنند که یکی از آنها از

۱) . مسألهٔ ۴۰

ص:۷۱

طرف میّت به حج برود، تکلیف او چیست؟

آیهٔ اللّه تبریزی: به همان نحو که در مسألهٔ سابقه گذشت عمل شود واللّه العالم.

آیهٔ اللّه سبحانی: به جواب سؤال قبلی مراجعه شود.

آیـهٔاللّه سیسـتانی: درصورتی که‌وصـیّت به‌یکی ازآنها کرده‌باشـد، بایـد به جای او حـج انجام دهـد وخودش‌مسـتطیع نیست. ولی‌اگر توافق آنها بر یکی از آنها باشد مصداق مسألهٔ فوق است.

آیهٔ اللّه صافی: کسـی که از برای میّت و یا ورثه جهت انجام حج میّت معین شده چنانچه خود اسـتطاعت مالی داشـته باشد نمی‌تواند نیابت کند. واللّه العالم.

آیهٔ اللّه فاضل: حکم آن از جواب قبل معلوم شد.

آیهٔ اللّه مکارم: هرگاه میت وصیّت کرده، باید به وصیّت او عمل شود و اگر ورثه توافق کنند جایز است او به حج برود.

آیهٔ اللّه نوری: اگر خود آن فرزند مستطیع باشد، نمی‌تواند نیابت را قبول کند.

خمس پول حج

س۴۳ – کسی که برای عمرهٔ مفرده ثبت نام کرده، در حالی که بردن او به عمره قطعی بوده و برای رفتن نیز به ناچار می‌بایست پولی به حساب بریزد ولی در سال بعد نوبت او شد، و به عمره مشرف خواهد شد، آیا سرِ سالِ خمس، به این پول که به حساب سازمان

ص:۷۲

حج و زیارت واریز شده، خمس تعلّق می گیرد یا نه؟

آیهٔ اللّه بهجت: در فرض سؤال خمس واجب نیست.

آیهٔ اللّه تبریزی: باید آن را تخمیس نماید، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: در فرض مزبور خمس ندارد.

آیهٔ اللّه سبحانی: خمس ندارد.

آیهٔ اللّه سیستانی: خمس دارد.

آیهٔ اللّه صافی: پول مذکور خمس ندارد، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه فاضل: در فرض مذکور خمس پول را باید بدهد مگر اینکه دیگر نتواند پول را از سازمان حج پس بگیرد که در این صورت خمس ندارد.

آیهٔ اللّه مکارم: خمس ندارد.

آیهٔ اللّه نوری: خمس به آن تعلّق نمی گیرد.

س۴۴ - کسی که برای عمره مفرده ثبت نام کرده، در حالی که بردن او به عمره قطعی‌بوده و برای رفتن نیز به ناچار می‌بایست پولی به حساب بریزد ولی در سال بعد نوبت او شد، و به عمره مشرف خواهد شد، آیا سرِ سالِ خمس، به این پول که به حساب سازمان حجّ و زیارت واریز شده، خمس تعلّق می گیرد یا نه؟

آیهٔ اللّه بهجت «ره» : در فرض سؤال خمس واجب نیست.

آیهٔ اللّه تبریزی «ره» : باید آن را تخمیس نماید، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: در فرض مزبور خمس ندارد.

آیهٔ اللّه سیستانی: خمس دارد.

آیهٔ اللّه صافی: پول مذکور خمس ندارد، واللّه العالم.

ص:۷۳

آیـهٔ اللّه فاضـل: در فرض مـذکور خمس پـول را بایـد بدهـد مگر اینکه دیگر نتوانـد پـول را از سازمـان حـجّ پس بگیرد که در این صورت خمس ندارد.

آیهٔ اللّه مکارم: خمس ندارد.

آیهٔ اللّه نوری: خمس به آن تعلّق نمی‌گیرد.

آیهٔ اللّه سبحانی : در فرض مذکور خمس ندارد. واللّه العالم

مصدود

س۴۵ – شخصـی در میقات برای عمرهٔ تمتع محرم شـده است و پس از احرام و قبل از سایر اعمال دسـتگیر و زنـدانی شـده و پس از گذشت ایام تشـریق او را آزاد کرده‌اند، ولی در زمان صدّ، به وظیفهٔ مصدود عمل نکرده، حال یا جاهل به مسأله بوده یا نمی‌توانسته عمل کنـد، ولی اکنون می‌توانـد عمرهٔ مفرده انجام دهـد، وظیفـهٔ او برای خروج از احرام چیست و در صورتی که نتواند عمرهٔ مفرده انجام دهد، تکلیفش چیست؟

آیهٔ اللّه تبریزی: چنانچه متمکن است، بنابر احتیاط بین وظیفهٔ مصدود و اتیان به عمرهٔ مفرده جمع نماید، واللّه العالم.

آیـهٔ اللّه سـبحانی: چون حکم مصـدود را دارد باید برای خروج از احرام قربانی و تقصـیر کند و احتیاطاً پس از رفع منع، اعمال عمره مفرده را انجام دهد و اگر نمی‌تواند، نائب بگیرد.

ص:۷۴

آیـهٔ اللّه سیسـتانی: به احتیـاط واجب از احرام خـارج نمی‌شود مگر این که هـدی تهیه و ذبـح یا نحر کنـد و به احتیاط واجب حلق یا تقصیر نیز لازم است و اگر متمکن از هدی نباشد ده روز روزه بگیرد.

آیـهٔ اللّه صافی: شـخص مـذکور اگر قـدرت بر اعمال عمرهٔ مفرده دارد باید با اعمال عمرهٔ مفرده از احرام خارج شود و اگر از انجام عمرهٔ مفرده نیز ممنوع است به وظیفهٔ مصدود عمل کند؛ واللّه العالم.

آیـهٔ اللّه فاضـل: چنانچه می‌توانـد عمره مفرده انجام دهـد بایـد با انجام عمرهٔ مفرده از احرام خارج شود و احتیاط آن است که قصـد عدول به عمرهٔ مفرده کند. و چنانچه نتواند عمرهٔ مفرده انجام دهد. اگر علت آن مریضـی باشد باید او را طواف و سعی دهند. و اگر ممکن نشـد بایـد برای طواف و سـعی نایب بگیرد و از احرام خارج شود و اگر علت آن این باشـد که او را از مکه اخراج کرده‌اند و نمی‌تواند برگردد حکم مصدود را دارد.

آیهٔ اللّه مکارم: باید عمرهٔ مفرده انجام دهد و از احرام خارج شود و اگر نمی‌تواند کسی را نایب بگیرد.

آیهٔ اللّه نوری: اگر نتواند عمرهٔ مفرده انجام دهد لازم است به وظیفهٔ مصدود عمل نماید.

س۴۶ – شخصی اعمال عمرهٔ تمتّع را به پایان برده و اکنون نمی‌تواند حج تمتع بجا آورد، مثلاً برای

ص:۷۵

خدمت به حجاج از سوی سازمان حج و زیارت به حج آمده و اکنون سازمان مذکور او را مأمور کرده که در ایام تشریق در مکه بماند، وظیفه‌اش چیست؟

آیهٔ اللّه تبریزی: چنانچه کسی مضطر به ترک حج تمتع بشود احتیاط آن است که عمرهٔ تمتع را عمرهٔ مفرده قرار داده و برای آن طواف نساء بجا آورد ولی مجرد منع دیگران محقق اضطرار نیست، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه سبحانی: در صورت عدم تمکن برای انجام حج تمتع، عمره تمتع را عمره مفرده قرار دهد و طواف نساء انجام دهد.

آیهٔ اللّه سیستانی: به احتیاط واجب آن را عمرهٔ مفرده قرار دهد و طواف نساء بجای آورد.

آیهٔ اللّه صافی: در فرض سؤال، در حج تمتع واجب (حجهٔ الاسلام، حج واجب به نذر و غیره) ترک حج تمتع جایز نیست، و در حج تمتع مستحبی نیز با عدم ضرورت عرفی یا شرعی احتیاط واجب انجام حج تمتّع است. واللّه العالم.

آیهٔ اللّه فاضل: فعلاً مُحِل است و تکلیفی ندارد و به مأموریت خود ادامه دهد.

آیهٔ اللّه مکارم: اگر توانایی بر حج ندارد وظیفه‌ای ندارد.

آیهٔ اللّه نوری: اگر حجّ بر آن شخص واجب بوده است و به قصد ادای حج واجب عمرهٔ تمتّع را انجام داده و اکنون قدرت ادای حج را ندارد این عمرهٔ تمتّع از عمرهٔ تمتّعی که جزء حج است کفایت نمی‌کند و لازم است بعداً عمرهٔ تمتع

ص:۷۶

و حج تمتّع را باهم در یک سال انجام بدهد و اگر از باب استحباب می‌خواسته است حج تمتّع انجام بدهد و مضطر به ترک حج شده است اشکال ندارد.

حج کودک

س۴۷ - کودک ممیزی را ولیّ او به سعی می‌برد؛ مثلاً در کالسکه سوار است و خواب است، آیا لازم است در ابتدای سعی او را برای نیّت بیدار کند، و چنانچه در آغاز بیدار باشد و در بین راه خواب برود چه حکمی دارد؟

آیهٔ اللّه بهجت: سعی از عبادات است و سعی در حال خواب صحیح نیست بایداورابیدار کند.

آیهٔ اللّه تبریزی: بنابر احتیاط واجب این است که خواب نرود و آن مقدار را که خواب رفته، به نیت «اتمام ما نقص من سعیه» اعاده کند و اگر قبل از نیت سعی، خواب رفته - بدون اشکال - سعی او باطل است، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: باید برای نیّت سعی، حدوثاً و بقاءاً بیدار باشد، بنابر این در اثناء هم نباید خواب باشد.

آیهٔ اللّه سبحانی: در حال خواب صحیح نیست باید مراقب باشد که کودک در حال سعی نخوابد.

آیهٔ اللّه سیستانی: سعی در حال خواب مُجزی نیست و باید او را وقتی به سعی ببرد که بیدار بماند و تا ممکن است او را به راه رفتن وادارد و سعی با کالسکه فقط در حال عدم تمکّن از

ص:۷۷

راه رفتن مجزی است.

آیهٔ اللّه صافی: سعی در حال خواب صحیح نیست، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه فاضل: چون سعی از عبادات است و صحت آن منوط به نیت و قصد قربت مستمر است لذا درفرض مذکور اگر قبل از شوط چهارم به‌خواب رفته است به‌احتیاط واجب سعی را از اول اعاده کند و اگر بعد از شوط چهارم خواب رفته است پس از بیدار شدن و توجه و التفات باید از جایی که به خواب رفته سعی را ادامه دهد.

آیهٔ اللّه مکارم: در صورتی که در ابتدای سعی نیّت کرده باشد، اشکالی ندارد.

آیهٔ اللّه نوری: ۱ - لازم است که او را برای انجام نیت بیدار کند ۲ - و آن مقداری را که در حال خواب پیش رفته است پس از بیدار شدن اعاده کند.

س۴۸ - شخصی که کودک را در بغل گرفته و طواف می‌دهد، آیا باید شانه چپ کودک نیز به طرف کعبه باشد؟

آیهٔ اللّه تبریزی: لزومی ندارد، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه سبحانی: تا حد امکان رعایت شود و شانه چپ بچه به طرف کعبه قرار گیرد.

آیهٔ اللّه سیستانی: باید تا حدّ امکان سعی کند طوری او را طواف دهد که عرفاً طرف چپ او به طرف کعبه باشد.

ص:۷۸

آیهٔ اللّه صافی: بنابر احتیاط شانه چپ کودک نیز به طرف بیت باشد، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه فاضل: بلی باید تمام شرایط در کودک نیز رعایت شود.

آیهٔ اللّه مکارم: لازم نیست.

آیهٔ اللّه نوری: بلی لازم است.

س۴۹ - کودکی را که محرم کرده‌اند و طواف می‌دهند، آیا طهارت بدن و لباس کودک در حال طواف لازم است، و چنانچه قبل از طواف او را تطهیر کنند برای یک طواف کافی است و وارسی بین طواف لازم نیست؟

آیهٔ اللّه تبریزی: آن مقدار که بتوانند بنابر احتیاط رعایت طهارت او را بکنند ولی وارسی لازم نیست، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه سبحانی: آن مقدار که بتوانند بنابر احتیاط طهارت بچه را رعایت بکنند ولی وارسی لازم نیست.

آیهٔ اللّه سیستانی: رعایت طهارت بدن و لباسِ او لازم نیست.

آیهٔ اللّه صافی: باید شرایط طواف و نماز در طفل نیز مراعات شود و در صورت غیر ممیّز بودن طفل، در صورت امکان او را وضو دهند لباس و بدن او را تطهیر کنند و در صورت شک در عارض شدن حدث و خبث وارسی لازم نیست و حکم طهارت باقی است، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه فاضل: بلی لازم است و وارسی در بین طواف لازم نیست. ولی اگر متوجه شدند که لباس و بدن او نجس شده،

ص:۷۹

احتیاط این است که آنها را تطهیر کنند.

آیهٔ اللّه مکارم: چنانچه قبل از طواف او را تطهیر کرده باشد کافی است.

آیهٔ اللّه نوری: بلی لازم است و برای یک طواف کافی است، و وارسی لازم نیست.

دیوانه و حج مستقر

س ۵۰- شخصی پس از استقرار وجوب حج دیوانه شده، وظیفهٔ ولیّ، نسبت به حج او چیست؟

آیهٔ اللّه تبریزی: تا زنده است ولیّ وظیفه‌ای ندارد و پس از مردن وی از ترکه‌اش برای وی حج می‌گیرد، واللّه العالم.

آیـهٔ‌اللّه خـامنه‌ای: ولیّ مجنون نسـبت به حـج او تکلیفی نـدارد، اگر تا آخر عمر عاقل شـد خودش حـج بجا می‌آورد و گرنه پس از مرگ از ترکهٔ او نایب می‌گیرند.

آیهٔ اللّه سبحانی: هرگاه یأس از بهبودی او دارند ولیّ او نایب بگیرد.

آیهٔ‌اللّه سیستانی: باید پس از مرگ برای او نایب بگیرد.

آیـهٔ‌اللّه صـافی: در فرض سؤال، چنانچه افاقه حاصل شود، بایـد حـج را بجا آورد و در صورت عـدم افاقه تا حین موت، بایـد پس از موت برایش حجّ استیجار شود، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه فاضل: چنانچه امید افاقه هست صبر کنند والّا بنابر احتیاط واجب، ولیّ شرعی او از مال او یک حج نیابی انجام دهد.

ص: ۸۰

آیـۀاللّه مکـارم: ولیّ او وظیفه‌ای نـدارد، مخصوصـاً اگر امیـد زوال جنون باشـد ولی بعـد از مردن او بایـد از مال او حـج را نیابتاً بجا آورند.

آیۀ اللّه نوری: اگر مال دارد لازم است ولیّ اقدام به حجّ نیابی بکند.

روزه مستحب در مدینه

س ۵۱ – آیا اسـتحباب سه روز روزه مسـتحبی در مـدینه منوره برای برآمـدن حاجت، اختصاص به مسافر دارد یا برای اهالی مـدینه و کسی که قصد عشره دارد نیز مستحب است؟

آیـۀ اللّه تبریزی «ره» : حکم مزبور اختصاص به مسافر دارد و شامل اهل مدینه نمی شود و در مسافر بین این که نمازش قصـر باشد یا به جهت قصد اقامت ده روز نمازش تمام باشد، فرقی نیست، واللّه العالم.

آیۀ اللّه سیستانی: برای همه مستحب است.

آیۀ اللّه صافی: بعید نیست اختصاص به مسافر نداشته باشد، واللّه العالم.

آیۀ اللّه فاضل: استحباب آن به قصد ورود برای غیر مسافر ثابت نیست، بلی رجاءاً مانعی‌ندارد.

آیـۀ اللّه مکارم: این حکم مخصوص مسافر است ولی دیگران بر اساس قانون اوّلی هر روزی بخواهند می‌توانند به قصد حاجت روزه بگیرند.

ص:۸۱

آیهٔ اللّه سبحانی : مخصوص مسافر است، و فرقی بین کسی که قصد اقامه کرده و غیر آن نیست. واللّه العالم

اعتکاف در مسجد الحرام

س۵۲ – بسیاری از زائران خانه خدا خواهان اعتکاف در مسجدالحرام هستند باتوجه به فرصت معنوی و تأثیر فراوان روحی و روانی آن و لزوم روزه جهت اعتکاف، آیا می‌توانند پس از حضور در مکّه مکرمه با نذر، به اعتکاف بپردازند؟

آیهٔ اللّه بهجت «ره» : مانعی ندارد.

آیهٔ اللّه تبریزی «ره» : چنانچه نذر روزه در مکّه نماید تا روزه در سفر صحیح باشد می‌تواند معتکف شود. واللّه العالم.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: می‌توانند برای روزه نذر کنند و در این صورت اعتکاف مانعی ندارد.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر نذر کنند که در سفر روزه بگیرند اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه شبیری: بلی می‌توانند بعد از سفر نذر کنند که در همان سفر روزه بگیرند و معتکف شوند.

آیهٔ اللّه صافی: صحت نذر روزه بعد از ورود به مکّه مکرّمه مورد اشکال است.

آیهٔ اللّه فاضل: ظاهر آن است که صحّت روزه در سفر با نذر در وطن محقّق می شود.

آیهٔ اللّه مکارم: بدون نیت اقامه ده روز روزه گرفتن و اعتکاف

ص:۸۲

کردن، اشکال دارد.

آیهٔ اللّه نوری: پس از سلام، نمی‌توانند مگر اینکه در وطن نذر روزه کرده باشند.

آیهٔ اللّه سبحانی : جواب این سؤال از جواب سؤال قبل روشن شد. واللّه العالم

س۵۳ – شخصی قصد اعتکاف در مسجد الحرام را دارد، آیا می‌تواند قبل از اذان صبح در تنعیم محرم شود و بقیه اعمال را در حال اعتکاف انجام دهد، با توجه به اینکه محل سعی جزو مسجد نیست؟

آیهٔ اللّه تبریزی «ره» : بسمه تعالی، مانعی ندارد و می‌تواند همه اعمال را در حال اعتکاف انجام دهد. واللّه العالم.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: بسمه تعالی، می‌تواند محرم شود و خروج از مسجد برای انجام سعی مانع ندارد.

آیهٔ اللّه سیستانی: می‌تواند ولی لازم است اعمال را تا زمانی تأخیر بیاندازد که سعی او پس از پایان اعتکاف باشد، ولی چنانچه صبر کردن تا آن موقع سخت باشد می‌تواند از عنوان حاجت ضروری استفاده نماید و از مسجد جهت انجام سعی خارج شود.

آیهٔ اللّه صافی: صحت احرام قبل از شروع به اعتکاف، بعید نیست. واللّه العالم

آیهٔ اللّه فاضل: مانعی ندارد لکن سعی نماید تا عمل سعی را زودتر به پایان رساند.

ص:۸۳

آیهٔ اللّه مکارم: این مقدار اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه نوری: بسمه تعالی، پس از سلام، لازم است قبل از اذان صبح در مسجد الحرام باشد.

آیـهٔ اللّه سبحانی : بهتر است همه اعمال را قبل از اذان صبح انجام دهـد به گونه‌ای که در اذان صبح در مسجد الحرام باشد و اگر موفق به سعی نشد به عنوان یک حاجت ضروری خروج از مسجد اشکال ندارد. واللّه العالم

آوردن قرآن از مسجدالحرام

س۵۴ – قرآن هایی در مسجدالحرام به زائران اهدا می شود که چند دسته است:

دسته اول: قرآن های مستعمل مسجدالحرام، ممهور به مُهر «وقف للّه تعالی بالمسجد الحرام» .

دسته دوم: قرآن های چاپ عربستان، وقف و هدیه زائران جهت قرائت در مسجدالحرام، که متصدّیان این قرآن ها و قرآن های دسته سوّم که چاپ سایر کشورها است و توسط زائران به مسجدالحرام هدیه می شود را به خاطر یک شکل بودن قرآن های مسجدالحرام از قفسه ها خارج کرده و به زائران دیگر که متقاضی‌قرآن هستند تحویل می دهند. و دسته چهارم قرآن هایی است که هدیه دولت عربستان و ریاست شؤون حرمین شریفین است و هیچ گونه مُهری ندارد. حال: آیا دریافت این قرآن ها جایز

ص:۸۴

است؟ و برفرض جواز مالک می شوند یا نه؟ و درصورت عدم مالکیت، آیا جهت استفاده عمومی در غیر مساجد یا در مساجد دیگر می‌توان آنها را آورد؟

آیهٔ اللّه بهجت «ره» : دسته اول و دوم جایز نیست و دسته سوم ممکن است تملّک، ولی‌احتیاط در ترک است و دسته چهارم تملُّک آن مانعی ندارد و دسته اوّل و دوّم را اگر نمی گذارند در آنجا باشد می‌تواند به اقرب آن مساجد بگذارد.

آیهٔ اللّه تبریزی «ره» : قرآن هایی که محرز است زوّار هدیه و وقف کرده‌اند را نمی‌توان گرفت و تصرف کرد و گرفتن قرآن های دیگر جایز است و می‌توانند تملّک کنند و یا در مساجد و غیره برای عموم قرار دهند، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: قرآن هایی که وقف مسجدالحرام شده است، دریافت و تملّک آن جایز و صحیح نیست و در صورتی که عودت و استفاده از آن در مسجدالحرام امکان ندارد، آنها را به مساجد دیگر برده و در آنجا استفاده نمایند.

آیهٔ اللّه صافی: در فرض سؤال، قرآن هایی که توسط حجّاج و زائرین وقف نشده؛ اعم از آنکه اثری از وقف بودن در آنها نباشد یا از طرف حکومت سعودی اثر وقف در آنها دیده شود اگر مسؤولین ذیربط از آنها به کسی اهدا نمایند، گرفتن آن اشکال ندارد و گیرنده مالک می شود. قرآن هایی که

ص:۸۵

توسط حجّاج وقف بشود، گرفتن آنها جایز نیست، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه فاضل: استفاده از قرآن های دسته اول و دوم در غیر مسجدالحرام اشکال دارد، اما دسته سوم و چهارم اشکالی ندارد و تحقّق ملکیت نسبت به دسته چهارم مسلّم است.

آیهٔ اللّه مکارم: قرآن هایی که از طرف مسؤولین آن منطقه به زوار داده می شود اشکالی‌ندارد و ملك آنها می شود.

آیهٔ اللّه نوری: در غیر مورد اخیر، گرفتن آنها اشکال دارد و همچنین نمی‌توان آنها را به مساجد یا جاهای دیگر برد.

آیهٔ اللّه سبحانی : دسته اول و دوم جایز نیست و سومی هم خالی از اشکال نیست فقط دسته چهارم را می‌توان گرفت و تملك کرد. واللّه العالم

آوردن خاک و ریگ از مشاعر

س۵۵ – آوردن خاك، ریگ و سنگ از عرفات، مشعرالحرام، منا، صفا، مروه یا منطقهٔ حرم چه حکمی دارد؟ و چنانچه عمداً یا جهلاً آورده باشد، برگرداندن آن واجب است یا نه؟

آیهٔ اللّه تبریزی: برداشتن خاك و ریگ و سنگ از آنچه نام برده شده مانعی ندارد بلی اگر در مسجد الحرام و مسجد خیف و یا سایر مساجد فرض شود، جایز نیست و برگرداندن آن لازم است، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه سبحانی: احتیاطاً از حرم خاك یا سنگ بیرون نیاورد.

ص:۸۶

آیة اللّه سیستانی: اشکال ندارد و برگرداندن واجب نیست.

آیـة اللّه صـافی: بنـابر احتیـاط از آوردن خـاک و ریگ حرم خودداری شود واگر آورده، در صورت تمکن به حرم برگردانـد، واللّه العالم.

آیـة اللّه فاضـل: از صـفا و مروه جایز نیست. و از غیر آن‌دو مانعی نـدارد. و در هر صورت برگردانـدن لازم نیست. ولی به طور کلی لازم است مؤمنین از این قبیل اعمال پرهیز کنند.

آیة اللّه مکارم: این کار شرعاً اشکال دارد و احتیاط آن است که آن را برگرداند.

آیة اللّه نوری: از عرفات و مشعر الحرام اشکال ندارد ولی از صفا و مروه اشکال دارد و باید برگرداند.

نذورات

س۵۶ – برخی از زائران حرمین شـریفین اظهـار می دارنـد که فلاـن مبلغ را به مـا داده انـد تـا در حرم مطهّر نبوی یـا قبور مطهّر بقیع بریزیم با توجّه به اینکه ریختن آنها در آن محل ها غیر ممکن است یا صـرف حرم یا مصـرف مقرّر خود نخواهد شد و حاضر نیستند این وجوه را با خود برگردانند، آیا می‌توان آنها را در راه خیر؛ مثل کمک به فقرای شیعه صرف کرد؟

آیة اللّه بهجت «ره» : می‌توان خرج زوّار آنجا از شیعیان کرد و اگر نشد به فقرای شیعه می‌توان داد.

آیة اللّه خامنه‌ای: اگر علم به رضایت صاحبان وجوه باشد یا از

ص:۸۷

قبل کسب اجازه شده باشد، صرف آن در مورد فقرای شیعه اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه سیستانی: باید به صاحبانش برگردانند.

آیهٔ اللّه فاضل: باید پولهای مذکور را از طرف صاحبان آن به فقرای شیعه صدقه بدهند.

آیهٔ اللّه مکارم: مجاز هستند که صرف فقرای شیعه در آنجا کنند

آیهٔ اللّه نوری: در صورتی که صاحبان پول راضی باشند اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه سبحانی : در مورد زائران فقیر مصرف شود و اگر در میان زائران فقیر نباشد در مورد فقرای شیعه مصرف شود.

واللّه العالم

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».